

پی محبوب

پرسش و پاسخ در باره آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام

سید حسین حسینی

ياد محبوب

یاد محبوب

پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام

۱

نویسنده

سید حسین حسینی

حسینی، سید حسین، ۱۳۲۵ -

یاد محبوب (پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام / نویسنده سید حسین حسینی. - تهران: نشر آفاق، ۱۳۷۹.

۱۲۸ ص - ۲ ج... (شناخت‌های اعتقادی؛ ۲۲)

ISBN 964 - 6058 - 75 - 2 (ج ۱) ISBN 964 - 6058 - 78 - 7 (دوره)

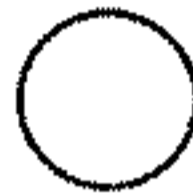
ISBN 964 - 6058 - 77 - 9 (ج ۲) ISBN 964 - 6058 - 76 - 0 (ج ۲)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. کتاب‌نامه: به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - ۲. مهدویت. الف. عنوان. ب. عنوان: پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام.

BP۵۱/ج۵ ی ۲

م ۷۹ - ۱۳۲۸۵



۲۹۷/۹۵۹

کتابخانه ملی ایران



نشر آفاق

تهران: خیابان پاسداران، دشتستان چهارم، نبش زمرّد، پلاک ۴۳

کد پستی ۱۹۴۷۹۴۶۶۶۶ - تلفن: ۲۸۴۷۰۳۵ - فاکس: ۲۸۵۵۹۰۷

E-mail : info@afagh.org

www.afagh.org

یاد محبوب

(۱)

(پرسش و پاسخ درباره‌ی آخرین مصلح آسمانی، امام عصر علیه السلام)

مؤلف: سید حسین حسینی

ویراستار: سید علی رضوی

طرح روی جلد: علی اکبر یزدی

چاپ سوم: ۱۳۸۴ ش، ۵۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: فرنو

۱۱۵۰ تومان

حقّ شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است.

شابک ۲-۷۵-۶۰۵۸-۹۶۴ ISBN 964 - 6058 - 75 - 2

شابک دوره ۷-۷۸-۶۰۵۸-۹۶۴ ISBN 964 - 6058 - 78 - 7

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش گفتار

... برخیز... برخیز! آری یوسف را آوردند. درنگ جایز نیست.
برمی خیزی. در اتاق کوچک و تاریک خود جستجو می کنی؛
اما نه، هیچ چیز در بساط نداری... هیچ چیز. به کنج اتاق خیره
می شوی. آری، آن جا را نگاه کن... روی آن پاره حصیر به هم پیچیده،
تنها کلافی نخ، بی فایده افتاده است و دیگر هیچ...

لحظه ای قامت خمیده و رنجورت را به دیوار کهن سال پشت
سر استوار می کنی؛ به فکر فرومی روی؛ ای کاش تو نیز از اشراف شهر
بودی!

کلاف نخ را برمی داری؛ از اتاق بیرون می روی... وها چه
غوغایی است... مرد و زن، کوچک و بزرگ، پیر و جوان، همه و همه
به سوی بازار می دوند... دیگر مجالی برای صبر نیست.

از هر سوی، اندیشه‌ای هراس‌آمیز بر دلت نِشتر می‌زند: ای
کاش تو نیز از اشراف شهر بودی! دل خوش می‌داری... یوسف به تو
نیز خواهد نگریست؛ گرچه...

قدم‌های کوچک و سنگین خود را بر می‌داری؛ یارای رفتن
نیست.

هیاهویی است. گویا هنوز یوسف را از کجاوه‌ی غیبت بیرون
نیآورده‌اند، چه قیل و قالی است!

هر کس، با تحفه‌ای برای خریداری‌اش در دست، ایستاده
است...

یکی زندگی‌اش را... یکی فرزندانش را... دیگری جان‌ش را!
آه که چه قدر ما تهی‌دست‌ایم! آخر نگاه کن، نگاه کن...
می‌نگری. چشمانت خیره می‌شود. زبانت می‌خشکد. خدایا! چه
کسانی به انتظار آمدنش نشسته و کمر شکسته‌اند!

جعفر بن محمد صلوات‌الله‌علیه پای برهنه روی خاک زانو زده
است... وای بر ما! ... خدایا! چه می‌گویدی؟! گوش جان به کلامش
می‌سپاری:

«مولای من! غیبت تو خواب از دیدگانم دور ساخته
و زمین را بر من تنگ گردانیده و آسایش دل را از من ربوده
است. آقای من! پنهانی تو درد و رنج مرا به سختی‌های
اندوه‌زای روزگار پیوسته و از دست رفتن یاران امکان‌گرد
هم آمدن و برانگیختن را از میان برده است.

هنوز از یاد یک بلا و سختی دوران غیبت اشک

دیدگانم نخشکیده و سوز و ناله‌ی دل، آرام نشده که رنج و
شکنج شدیدتر و دردناک‌تری در برابر دیدگانم آشکار و
نمایان می‌شود.^۱

بنگر موسی بن جعفر علیه السلام را... می‌نگری. می‌شنوی چگونه ناله‌ی
هجر سر می‌دهد:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ.»^۲

بنگر علی بن موسی را. درود خدا بر او باد! می‌نگری. ببین کاسه‌ی
خونین چشمانش را.^۳

این جا جولانگاه پهلوشکستگانِ حریم ولایت است.
بازگرد... دیگر جایی برای تو نیست.

بهای یوسف اشک‌های به خون شسته‌ی زهراست؛ سرهای
بی‌تن عاشوراست؛ چهارده سال به کنج زندان نشستن امام صابران
است...

با این همه، دل خوش می‌داری؛

شاید تو نیز از خریدارانش به حساب آیی!

ما را به جز تو در همه عالم عزیز نیست مگر رد کنی بضاعت مزجاة و رقبول

آرزو می‌کردیم در خیل مشتاقان یوسف فاطمه در آییم.
محفلی کوچک آراستیم. بر قدم به صف نشستگان گل نثار کردیم. بر

۱. منتخب الأثر: ۲۵۹؛ انتظار بذر انقلاب: ۷۲.

۲. منتخب الأثر: ۵۰۶، ح ۴. ۳. منتخب الأثر: ۵۰۸، ح ۶.

تارک مجلس آذین بستیم. از محبوبمان سخن گفتیم و شنیدیم؛ پرسیدیم و پاسخ دادیم... باشد که در خیل خریداران آن مهربان به پرده‌نشسته به حساب آییم.

سوختگانش آن گفت و شنودها را بر صفحات کاغذ نقش زدند و به مشتاقان هدیه کرده‌اند تا مگر یاد و نام یوسف را در روزگار خود حک کنند. آن قیل و قال به پنجاه و اندی پرسش و پاسخ رسید. در هر موضوعی که سخن به میان می‌آمد، از آیه و حدیث و روایت و سخن آموزگاران انتظار، امامان معصوم علیهم‌السلام، بهره گرفته می‌شد.

این روزها نسیم جشن‌های میلاد محبوب به وزش درآمده است و دیگر بار قلب‌های پُرشورمان را عطر آگین کرده است.

نام و یاد او فضای دل را پُر کرده است. به دنبال بهانه برای ذکرش گرد آمده‌ایم. در احادیث و کتب و آیات نظر افکنده‌ایم و از یار دیرینه‌ی گم‌شده‌مان سخن‌ها گفته‌ایم.

امید که مشتاقان و علاقه‌مندان، ما را در منظر نگاهمان در ذکر نام پُرصلابت عشق یاری و کاستی‌ها را تکمیل کنند... مگر او بضاعت مزجات ما را به لطف و کرم خود پذیرا باشد.

کارهای انجام‌شده در این مجموعه:

- این پرسش و پاسخ‌ها در جلساتی دوستانه، به گونه‌ی

شِفاهی، انجام شده و سپس از نوار پیاده شده است.

- در نیمه‌ی شعبان ۱۴۲۰، سه دفتر در ۵۵ پرسش و پاسخ در

تعدادی محدود تکثیر گردید.

- این بار روی یک یک سؤالات و پاسخ‌ها دقت و از برخی صاحب‌نظران نظرخواهی به عمل آمد. آن‌گاه مدرک‌یابی و پاک‌نویس شد.

- در عموم پرسش‌ها، برای آگاهی از تفصیل بیشتر، به کتب و مقالات موجود با فصل و شماره‌ی صفحه ارجاع شده است. عدم ذکر شماره‌ی صفحه نشانه‌ی اختصاصی بودن کتاب در موضوع مورد نظر است.

- کتاب‌های اشاره‌شده در پایان پرسش‌ها، در کتاب‌نامه‌ی ضمیمه‌ی پایان کتاب به طور کامل تر معرفی می‌شود.
- اکنون تعداد آن‌ها به ۹۰ (معادل ابجدی المهدی) و در این دفتر، به ۳۰ پرسش و پاسخ رسیده که در برابر خوانندگان قرار دارد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

وَالسَّلَامُ عَلَىٰ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ

شهریور ۷۹ - جمادی‌الثانی ۱۴۲۱

تهران - سیدحسین حسینی

پرمعشها و پاسخها



سؤال : در آیهی ۲۸۵ سورهی بقره اصول ایمان مؤمنان بیان شده است؛ اما از اعتقاد به امام عصر ارواحنفا در آنها نامی نیست و نیز در آیهی ۱۳۶ سورهی نساء کفر و ایمان یاد شده است که در آن نه اعتقاد به وجود آن حضرت مورد امر است و نه عدم اعتقاد به آن موجب کفر به حساب آمده است. آیا اعتقاد به امام زمان علیه السلام از اصول ایمان است و نداشتن این اعتقاد موجب کفر؟

جواب : دو آیهی اشاره شده در سؤال به ترتیب چنین است:

﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا: سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا. غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾

دربارهی آیهی ۲۸۵ سورهی بقره این توضیح ضروری است

که نکات ذکر شده در آیه کریمه تمام اعتقادات دینی را بیان نمی‌کند؛ به طور مثال، یکی از ضروریات و اصول اعتقادات - که معاد و ایمان به روز رستاخیز است - در آن ذکر نشده است؛ لیکن این عدم ذکر دلیل کاهش اهمیّت آن نیست. می‌توان گفت: ایمان به کتب و رسل، ایمان به معاد را در بر دارد و لازمه‌ی ایمان به کتب و رسل اعتقاد به روز رستاخیز است و اعتقاد به آن جزء ضروریات ادیان الاهی است؛ همان‌گونه که ترک ذکر «معاد» در آیه دلیل نمی‌شود که اقرار و اعتقاد به معاد جزء اصول دین نباشد.

اعتقاد به امامت امامان و امام زمان علیه السلام نیز چنین است. به علاوه این که درباره‌ی امامت امامان و امام زمان علیه السلام آیات فراوانی جداگانه آمده است.

به آیه ۱۳۶ سوره‌ی نساء توجه کنیم. این آیه دو بخش دارد: یکی جنبه‌ی اثباتی و دیگر جهت سلبی. در جنبه‌ی اثباتی، اصولی از ایمان مطرح است. خداوند حکیم دستور می‌دهد که به چهار اصل ایمان آورید: به خدا، رسول، کتاب رسول، کتب پیامبران پیشین. در بخش سلبی می‌فرماید: کسی که به خدا و ملائکه‌ی او و کتب رسولان او و روز رستاخیز کفر ورزد در گمراهی دوری افتاده است.

می‌بینیم در این آیه کریمه، در کفر به اصول دین سخن از معاد هست؛ اما در اصول ایمان سخنی از معاد نیست. روشن است که هر آیه در هر سوره‌ی قرآن، عهده‌دار بیان هر اصل و تمامی مسایل اصول و فروع دین نیست. در احادیث سنّی و شیعه اصولی چون: نماز، روزه، حج و... در صورت تعلیمات دینی آورده شده؛ اما در این

آیه‌ی کریمه ذکرى از آن‌ها به میان نیامده است. اهمّیت آن‌ها در آیات و احادیث دیگر آورده شده است.

ایمان به امامت امامان علیهم‌السلام و جانشینی آنان نسبت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز چنین است. این اصل مهم در ضمن صدها آیه‌ی قرآن به تعبیرات گوناگون گوش زد شده است و پیامبر و امامان علیهم‌السلام توضیح و تفسیر آن‌ها را ولایت امیر مؤمنان علیه‌السلام و حکومت امام زمان علیه‌السلام دانسته‌اند؛ از جمله در آیه‌های کریمه‌ی:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾^۱

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾^۲

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً...﴾^۳

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ! بَلِّغْ مَا أُنزِلَ...﴾^۴

پیشوایان ما، در ضمن احادیث فراوان، این آیات را تفسیر و تأویل فرموده‌اند؛ از جمله: تفسیر برهان و نور الثقلین ذیل آیات. نتیجه این که قرآن کریم برخی مسایل را روشن و آشکار بیان کرده است؛ مانند: اصل امامت و نبوت و توحید و معاد و برخی را برای بیان تفصیل و تفسیر، به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان بزرگوار علیهم‌السلام ارجاع داده است؛ مانند معرفی شخص امام و خلیفه و توضیح احکام عملی و... بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که تمامی مسائل، آن‌هم به صراحت و آشکار در قرآن کریم - که به ظاهر حجمی محدود دارد -

۱. مائده (۵): ۵۵.

۲. مائده (۵): ۴.

۳. سجده (۳۲): ۲۴.

۴. مائده (۵): ۶۷.

آمده باشد و انتظار دورتر این که گمان کنیم در یک آیه همه‌ی اصول اعتقادات آمده باشد.

در این باره، مراجعه کنید به:

- المراجعات (عربی).
- آن‌گاه هدایت شدم.
- امامت و رهبری.
- بررسی مسائل کلی امامت.
- نقش ائمه در احیای دین.
- مذهب أهل البيت (عربی).
- لماذا نحن شیعة؟ (عربی).
- أهل البيت عليهم السلام في القرآن (عربی).
- ائمه‌ی اطهار یا پاسداران وحی در قرآن.
- اهل بیت یا چهره‌های درخشان در آیه‌ی تطهیر.
- تأویل الآيات الباهرة في فضل العترة الطاهرة (عربی).
- تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد عليهم السلام.



سؤال : آیا در قرآن کریم آیه یا آیاتی درباره‌ی امام
زمان علیه السلام آمده است؟

جواب : تمامی علوم اسلامی خاستگاهی قرآنی دارد و بنا به
عقیده‌ی شیعه، اصل هر چیز در این کتاب الاهی دارای ریشه است.
ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و مقامات ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام و امامت و
حکومت امام زمان علیه السلام نیز در قرآن ریشه دارد. بر این اساس، از
حدیث‌شناسان اعصار گذشته تا امروز نوشته‌هایی بر جای مانده
است؛ به‌ویژه آیاتی که در روایات، به مولا علی علیه السلام و امامان
پاک علیهم السلام و به‌ویژه امام عصر ارواحنفاذیه تفسیر و تأویل شده است.

از جمله‌ی آنچه در موضوع آیات تأویل شده به ابعاد
گسترده‌ی شخصیت امام زمان علیه السلام نگاشته شده است کتاب *المَحَجَّةُ*
فیما نزل فی القائم الحجَّةُ علیهِ السلام^۱ نوشته‌ی سید هاشم بحرانی دانشمند
قرن ۱۱ و ۱۲ هجری است. او ۱۲۰ آیه‌ی قرآن را آورده و در ذیل هر
کدام احادیثی نقل کرده است که در بیان خصوصیات و برنامه‌های

۱. ترجمه‌ی این کتاب در سلسله‌ی انتشارات آفاق به نام «سیمای حضرت
مهدی علیه السلام در قرآن» منتشر شده است.

حکومت آن امام همام است. در این جا به نقل ۳ آیه بسنده می‌کنیم:

۱- ﴿خداوند به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که

آنان را در زمین جانشین کند و... عاقبت کار جهان را به

توحید و خداپرستی ببرد.﴾^۱

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمود:

«این گفته‌ی خداوند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ...﴾ درباره‌ی قائم و

یاران او نزول یافته است.»^۲

هم‌چنین امام سجّاد علیه السلام آیه را قرائت کرد و فرمود:

«سوگند به خدا، آنان شیعیان مایند. خداوند به

دست مردی از ما - که مهدی این امت است - آنان را چنان

می‌کند (و به حکومت زمین می‌رساند). این همان است که

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا به جز یک روز

نماند، خداوند آن روز را دراز می‌کند تا مردی از عترت من

بر آن ولایت یابد که نام او نام من است. او زمین را از عدل و

داد پُر کند همان‌گونه که از ستم و جور آکنده باشد.»^۳

۲- ﴿ذخیره‌ی خدا (آن چه خدا برای شما نگاه داشته

است) برایتان بهتر است؛ اگر ایمان داشته باشید.﴾^۴

در ذیل آیه آمده است که: از امام صادق علیه السلام پرسش شد: آیا به

قائم علیه السلام با لقب امیرالمؤمنین سلام می‌کنند؟ فرمود:

۲. المحجّة: ۱۴۸.

۱. نور (۲۴): ۵۵.

۳. همان: ۱۵۱ - ۱۵۲.

۴. هود (۱۱): ۸۶.

«نه! آن نام نامی است که خداوند تنها علی علیه السلام را با

آن نام گذاری کرد...»

گفتم: چگونه قائم را سلام می کنند؟ فرمود:

«می گویند: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ.»

سپس (آیه را) قرائت فرمود: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ...﴾.^۱

۳- ﴿این کتاب- که تردیدی در حَقَاتِیت آن نیست-

هدایت پرهیزگاران است؛ هم آنان که به غیب ایمان دارند.﴾^۲

در ذیل آیه آمده است: یحیی بن ابی القاسم گوید: از امام صادق علیه السلام

درباره ی این آیه توضیح خواستم. فرمود:

«در آیه، پرهیزگاران شیعیان علی علیه السلام اند و غیب

حُجَّتِ غَائِبِ است.»^۳

در این موضوع، نگاه کنید به کتاب های:

- المَحَجَّةُ فِيمَا نَزَلَ فِي الْقَائِمِ الْحَجَّةُ علیه السلام (عربی).

- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن.

- المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف في القرآن (عربی).

- موعود قرآن.

- بحار الأنوار ۵۱: ۴۴ - ۶۴ (باب آیات تأویل شده...).

- خورشید مغرب: ۱۱۳ - ۱۴۸ (فصل هفتم و هشتم).

- المهدي: ۲۳ - ۲۵.

- یاد مهدی علیه السلام: ۵۳ - ۷۴ (بخش دوم).

۱. نورالثقلین ۲: ۳۹۰، ح ۱۹۰.

۳. المحجَّة: ۱۶.

۲. بقره (۲): ۲.



سؤال : آیا ظهور منجی عدالت‌گستر را ادیان دیگر نیز بشارت داده‌اند یا تنها در اسلام مورد اعتقاد است؟ ویژگی‌های منجی و مهدی موعود علیه السلام در اسلام و به‌ویژه در تشیع چیست؟

جواب : تا آن‌جا که اطلاع در دست است، تمامی کتب و ادیان به نوعی و با ویژگی‌هایی وجود منجی و مصلح جهانی را بشارت داده‌اند. برخی از پیش‌گویی‌ها را در پاسخ پرسش دیگر توضیح داده‌ایم. در این باره، مراجعه شود به:
- انیس‌الأعلام.

- بشارات عهدین، صص ۲۳۴ - ۲۸۶.

آن اندازه که در ادیان دیگر و کتب آسمانی پیشین به اصل ظهور منجی و مصلح پرداخته شده است، به سایر خصوصیات وی پرداخته‌اند.

در این میان، اسلام و به‌خصوص تشیع این افتخار را دارد که ابعاد شخصیت و شؤون و غیبت و ظهور منجی عالم را با خصوصیات فردی و اجتماعی از زبان معصومان علیهم السلام در اختیار دارد؛ از پیش از تولد و پس از آن، دوران کودکی، زندگی با پدر و پس از رحلت پدر،

دوران غیبت صغری، غیبت کبری، ظهور و... که توضیح آن‌ها را در روایات بسیار و معتبر می‌توان دید.

در این باره، مراجعه فرماید به:

- منتخب الأثر: ۲۵۱، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۴.

۳۰۵ و...

در سایر فرق اسلامی و کتب سنّیان می‌بینیم دانشمندان عامّه حتی نوشته‌های اختصاصی درباره‌ی آن بزرگوار نوشته‌اند؛ مانند العرفُ الوردی، عقد الدرر، الوهم المکنون.

در صحاح ستّه و سایر نوشته‌های علمای غیر شیعه نیز در این باره احادیث فراوانی دیده می‌شود. بخش اوّل کتاب منتخب الأثر و کتاب در جستجوی قائم علیه السلام، کتب فراوانی را فهرست داده است. در این زمینه و برای تفصیل بیشتر می‌توان مراجعه کرد به:

- خورشید مغرب، فصل چهارم و پنجم.

- أصالت مهدویّت.

- ذهنیّت مستشرقین.

- در فجر ساحل، بخش نویدها.

- موعود روزگاران.

- روزگار رهایی، بخش سیزدهم.

- دانشمندان عامّه و مهدی موعود.

- المهديُّ الموعودُ المنتظرُ عند علماء أهل السنّة و الإمامیّة.

- خورشید پنهان، گفتار ششم.

- یاد مهدی: ۲۷۵ - ۳۱۱ (بخش هفدهم).



سؤال : با نگاهی به قرآن کریم، می‌بینیم تعداد امامان به دوازده نفر محدود نمی‌شود. ما در دعای نقل‌شده در قرآن، از خداوند درخواست امامت می‌کنیم؛ آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾^۱: «خداوند! ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده». در جای دیگر، آمده است: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾^۲: «و آنان را امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کنند». و در جای دیگر، انبیا را امام خوانده و حتی گفته است: کفار هم امام دارند: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ؛ إِنَّهُمْ لَا أِيْمَانَ هُمْ﴾^۳: «پس با پیشوایان کفر بجنگید که سوگند (درست)ی ندارند». و به شکل دیگر، تمام مستضعفین زمان فرعون امام‌اند. پس ائمه دوازده تن نیستند. چگونه بگوییم حضرت صاحب‌الزمان دوازدهمی آن‌هایند؟

جواب : از مجموعه‌ی آیات وجود، مقامی به‌عنوان مقام امامت استفاده می‌شود. در قرآن کریم دو نوع امامت مطرح است: امامت نار

۲. انبیا (۲۱): ۷۴.

۱. فرقان (۲۵): ۷۵.

۳. توبه (۹): ۱۲.

و امامت نور. در مورد امام نار فرموده است:

﴿و آنان را امامانی قرار دادیم که به سوی آتش
راهنمایی می کنند﴾^۱

و درباره‌ی امامان نور:

﴿و آنان را امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت
می کنند﴾^۲

اگر کسی در قرآن نظر کند، امامت را می پذیرد. ائمه‌ی
طاهرين عليهم السلام نیز به همین مسأله استدلال کرده و گفته‌اند: این مقام والا
ویژه‌ی عده‌ای است؛ چرا که خداوند فرموده است:

﴿ای ابراهیم، من تو را برای مردم امام قرار می دهم.
ابراهیم (از شدت شوق) گفت: و از فرزندانم نیز؟ (خداوند)
فرمود: عهد امانت من به ستم‌کاران نخواهد رسید﴾^۳

در این جا حضرت امام رضا عليه السلام می فرماید:

«مقام امامت چندان مرتفع است که خداوند آن را
پس از امتحانات مکرر از ابراهیم و دادن مقام نبوت و
رسالت و تحلت^۴ به او بخشید. پس چگونه مردم می توانند
آن را برای خود برگزینند؟!»^۵

۱. قصص (۲۸): ۴۱.

۲. انبیاء (۲۱): ۷۳.

۳. بقره (۲): ۱۲۴.

۴. خلیل بودن و دوست نزدیک بودن.

۵. اصول کافی ۱: ۱۹۹، ح ۱.

از این رو، این مقام ویژه‌ی اولیاست و پیامبر و امامان تعداد آنها را پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دوازده نفر اعلام با نام و نشان مشخص فرموده‌اند. در روایات شیعه و سنی تعداد آنان به عدد نقبای بنی اسرائیل، عدد حواریان عیسی، عدد برج‌ها، عدد ماه‌ها - که دوازده است - معرفی شده است.

این احادیث در زمره‌ی روایات متواتری است که در کتاب‌های شیعه و سنی آمده است. سخن اصلی و مهم این است که دوازده نفر مشخص شده کیان‌اند؟ در احادیث شیعه و سنی آمده: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»^۱: «تمام آنان از قریش‌اند.» در تطبیق خارجی دوازده امام دو توجیه هست: سنیان پراکنده سخن می‌گویند اما شیعه می‌گوید: طبق احادیث متواتر، از پیامبر صلی الله علیه و آله تا خود امام زمان علیه السلام آن دوازده نفر مشخص شده‌اند و نام و نشان آنان نیز در احادیث آمده است. پاره‌ای از احادیث شیعه را به تفصیل در کتاب اصول کافی، ج ۱، صص ۵۲۵ - ۵۳۵ و نیز در صص ۲۸۶ - ۳۲۸، می‌بینیم.

از این بحث کوتاه روشن می‌شود که امامت نور در آیات کریمه مقامی ویژه و مرتبه‌ای خاص و به‌گزینش الهی است و هر کس نمی‌تواند به آن برسد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تعداد آنان را با عبارات گوناگون، دوازده تن مشخص فرموده است. تمامی آنان از قریش‌اند و طبق احادیث شیعه و برخی احادیث سنی (مانند آنچه، به نقل

۱. منتخب‌الأثر: ۱۰ به بعد به نقل از صحیح بخاری، صحیح ترمذی،

صحیح مسلم، صحیح ابی داوود...

منتخب الأثر، ص ۹۷، در ینابیع المودّة، ص ۴۴۰ آمده است) نام‌های آنان نیز معین گردیده است.

نتیجه این‌که آیه‌ی کریمه‌ی ﴿وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا﴾^۱ با آنچه درباره‌ی مقام و ویژه‌ی امامت و خلافت در قرآن گفته شد، تفاوت دارد. امامت مطرح شده در آیات پیشین مقام و منزلتی خاص است و امامت در آیه‌ی سوره‌ی فرقان به معنای لغوی و پیشوایی برای پرهیزگاران به کار رفته است.^۲

علاوه بر این، اگر هم در این آیه مراد از امام، امامان اصطلاحی باشد نه لغوی، باز مصادیق بارز آن امامان معصوم تعیین شده از سوی پیامبر ﷺ است؛ یعنی تاویل آیه درباره‌ی ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام است. تأیید بر این حدیثی از امام صادق علیه السلام است که فرمود:

«در آیه‌ی قرآنی: ﴿وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا﴾

خداوند ما را قصد کرده است.»^۳

در این باره، برای نمونه، رجوع فرماید به:

- آخرین تحوّل: ۱۱۷ - ۱۳۹.

۱. فرقان (۲۵): ۷۵. ۲. رک. پاورقی ۳، ص ۳۲.

۳. تفسیر المیزان ۱۵: ۲۷۰، بحث روایی؛ (به نقل از جوامع الجامع).



سؤال : درباره‌ی نام‌های امام زمان علیه السلام شرح دهید.

جواب : علاوه بر اسم - که در میان همگان معمول است - داشتن لقب و کنیه از رسوم و عادات معروف اعراب است. در میان اعراب رسم بوده و اکنون هم رسم است که فرد نام و لقب و کنیه دارد.

حضرت حجّت علیه السلام یک اسم خاص دارند: «م ح م د». برخی معتقدند در زمان غیبت نباید اسم خاصشان را بر زبان آورد و برخی می‌گویند: این حرمت نام‌بردن به زمان غیبت صغری برمی‌گردد که ایشان خوف شناخته‌شدن داشتند. ما در پاسخ سؤالی دیگر، احادیث آن را آورده‌ایم.

آن حضرت لقب‌هایی دارند؛ مانند مهدی، حجّة، قائم، صاحب الزّمان، صاحب الأمر، منتظر، منتظر. لقب را با توجه به معنا قرار می‌دهند.

ایشان یک کنیه هم دارند. کنیه، در فرهنگ عربی آن است که به آب یا أم مُصدّر است. در بانوان، اوّل آن را أم می‌آورند و در مورد آقایان، آب. در مورد آقایان مثلاً می‌گویند: ابوالفضل، ابوالقاسم، ابو عبدالله، ابوذر و در مورد بانوان، مانند: أمّ أبیها، أمّ کلثوم، أمّ البتین، أمّ سلّمه. لازمه‌ی کنیه این نیست که مثلاً پدر پسر یا به نام عبدالله

داشته باشند تا کنیه‌ی او را ابو عبدالله بگذارند؛ زیرا بسیاری در ابتدای میلاد کنیه می‌گذارند.^۱

یکی از کنیه‌های امام زمان علیه السلام، ابوصالح است. لازمه‌ی آن این نیست که پسری به نام صالح داشته باشند. ابوصالح (یا ابوصالح یا ابی صالح) یعنی کسی که صلاح و خوبی فراوان دارد تا آن جا که گویی صلاح از او متولد می‌شود.

پس کنیه را به دو جهت بر کودکان می‌نهند: یک جهت به امید این که فرزندی داشته باشند تا آن اسم را بر او بگذارند. جهت دوم این که او بعضی از صفات و برجستگی‌ها را داراست که با کنیه بیان می‌کنند. کسی را که بین فقرا غذا تقسیم می‌کند، ابوالقاسم؛ آن که کمک می‌کند، ابوهاشم^۲؛ خوردنی خوش مزه و گوارا (چون پالوده) را، ابوسائغ گویند. (سائغ یعنی بسیار گوارا).

یکی از کنیه‌های امام حسین علیه السلام، «ابو عبدالله» است. معنای آن این نیست که آن حضرت پسری به نام عبدالله داشته باشد؛ گرچه داشتند. این یکی از روایات است. عبدالله یعنی بنده‌ی خدا. معنی این

۱. جهت دیگر کنیه آن است که شخص مورد نظر صفت خاص یا کمالی از کمالات را داشته باشد. (ویراستار)

۲. خود واژه‌ی هاشم اسم فاعل هَشُم به معنی ترید کردن (مثلاً نان در آب‌گوشت) است. نیای و الامقام رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت عمرو بن عبدمناف - به دلیل بزرگواری بی سابقه‌ای که در روزگار خشک‌سالی نشان داد و به مردم تهیدست کمک کرد و از گرسنگی نجاتشان داد - بدین لقب نامیده و نامور شد. (ویراستار)

است که ایشان در بندگی خدا به اوج رسیده است و بر بنده‌ی خدا، پدر است.

این یک مسأله راجع به نام‌ها و کنیه‌ها و لقب‌ها. لقب‌ها و کنیه‌های آن حضرت بسیار است؛ چرا که پیغمبر ﷺ و امامان علیهم السلام و خود امام حسن عسکری علیهما السلام - از زمانی که به وجود آخرین امام بشارت داده‌اند - القاب مختلفی را برای ایشان به کار برده‌اند و هر کدام وجه نام‌گذاری دارد. محدث بزرگ، مرحوم حاج میرزا حسین نوری از القاب و اسامی امام زمان علیهما السلام، ۱۸۲ نام و لقب را نقل فرموده است. برای تفصیل بیشتر، مراجعه کنید به:

- نجم ثاقب، باب دوم.

- نام محبوب.

- منتهی الآمال ۲: ۷۵۷.

- امام مهدی علیهما السلام از ولادت تا ظهور: ۴۴ - ۵۷.



سؤال : در زیارت آل یس می خوانیم: السَّلَامُ عَلَيْكَ
يا دَاعِيَّ اللَّهِ...؛ یعنی، درود بر تو؛ ای دعوت کننده به سوی
خدا! حال آن که طبق آیهی قرآن، دعوت کننده به سوی او
رسول خدا ﷺ است.

جواب : تردیدی نیست که یکی از صفات و ویژگی های رسول
الله ﷺ «دعوت کننده» به سوی خداست. خداوند می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ! إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَ
نَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴾^۱

﴿ای پیامبر! ما تو را شاهد، بشارت دهنده و
هشداردهنده فرستادیم و دعوت کننده به سوی خدا و
چراغی فروزان آوردیم.﴾

با این همه، هیچ گونه اختصاص و انحصاری در آیهی یادشده به چشم
نمی خورد و چنین نیست که دعوت کنندگی ویژه ی آن حضرت باشد.
حتی در آیهی ذیل برای این ویژگی، مصادیق دیگر نیز معرفی شده
است؛ به عنوان نمونه:

۱. احزاب (۳۳): ۴۶ و ۴۷.

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا

وَقَالَ: إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؟﴾^۱

به علاوه، در احادیث شیعه و سنی بسیار آمده است که مردم را به سوی خیر بخوانید؛ مثلاً:

«كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ.»^۲

«مردم را به سوی دین بخوانید؛ نه با زیانتان (بلکه با

عمل).»

می بینیم امامان بزرگوار به ما فرمان می دهند که مردم را به سوی خیر دعوت کنیم. در واقع هر مُبَلِّغ دین و امرکننده به معروف «داعی إلى الله» است و افراد و مصادیق کامل آن، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان بزرگوارند که مردم را هرگز جز به سوی خدا نمی خوانند.

در زیارت جامعه دربارهی پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ.»

«سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا.»

نتیجه این که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به سوی خدا دعوت می کند و این صفت اختصاصی هیچ پیامبر و امامی نیست بلکه تمامی اولیا و انبیا و اوصیا مردم را به سوی خدا دعوت می کنند.^۳

۱. فصلت (۴۱): ۳۳: ﴿کیست نیکوگفتارتر از آن که به سوی خدا خواند و

کار شایسته انجام دهد و گوید: من از تسلیم شدگانم؟﴾

۲. بحار الأنوار ۷۰: ۳۰۳.

۳. به این نکته نیز بد نیست اشاره شود که واژه‌ها در متون دینی به معنای

←

اصطلاح شده به کار می‌روند و در فضای خارج آن، به معنای لغوی. در زبان فارسی خدا به معنای مالک و دارنده است و مثلاً در جمله‌ی «خدای خانه کیست؟» (به قرینه‌ی وجود مضاف‌الیه در این جا) جز معنای لغوی دانسته نمی‌شود؛ اما بدون وجود چنین قرینه‌ای، واژه‌ی خدا یادآور ذات مقدّس الاهی است. انبوه واژه‌های دینی چنین‌اند؛ مانند: پیغمبر، امام، نماز، حج (در زبان عربی)، وصی، خلیفه، حدیث، جامع، سنَد، غدیر، کتاب (گاه به معنای قرآن به کار می‌رود)، ذات، صفات، هدایت، دعا (در زبان عربی)، رجعت، انتظار، فرَج، تقلید و... اختلاط مقوله‌ی لغت و اصطلاح و عدم توجه به قرائن، در کاربُرد، سخت مشکل‌آفرین تواند بود. (ویراستار)



سؤال : شب ولادت حضرت مهدی علیه السلام چه موقع بوده است؟ در مورد نیمه‌ی شعبان اقوال مختلفی هست؛ از جمله در جلد ۵۱ بحار الأنوار، تاریخ‌های مختلفی ذکر شده است: روز ۲۴ ماه رمضان، ۹ ربیع الأول، نیمه‌ی رمضان، سوم شعبان، ۸ شعبان و شب جمعه‌ی ماه رمضان. بالاخره تاریخ ولادت ایشان کی بوده است؟

جواب : در بسیاری از وقایع و حوادث تاریخی پُراهمیت، مانند ولادت‌ها، شهادت‌ها، جنگ‌ها، به سلطنت رسیدن‌ها، موارد اختلاف وجود دارد. اختلاف در ولادت فردی - آن‌هم کسی که در زمان مراقبت شدید حکام جور متولد شده است - طبیعی است. چه بسا امامان علیهم السلام، برای حفاظت جان آن‌حضرت و تقیّه، به ابهام و اختلاف برگزار کرده و حقیقت آن را فرموده‌اند. روشن است اگر امامان علیهم السلام پیش از ولادت و در هنگام آن، آن را دقیق تعیین می‌کردند، در آن تاریخ - که خانواده‌ی امام حسن عسکری علیه السلام در محاصره‌ی شدید بودند - مشکلات افزون‌تری برای آن‌ها ایجاد می‌شد؛ امّا امامان علیهم السلام خواستند تاریخ تولّد را پنهان کنند. از این رو، پس از ولادت، در تاریخ آن اختلاف پیدا شده است.

این اختلاف نشان‌دهنده‌ی کنترل شدیدی است که خلفای عباسی به کار می‌گرفتند. آن‌ها به خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام کارآگاه می‌فرستادند و زنان را واری می‌کردند تا نکند کسی از آنان باردار باشد و آن موعود اسلام و ادیان متولد شود و تاج و تخت آنان را به هم ریزد.

اکنون- که دوره‌ی غیبت صغری سپری شده و غیبت کبری آغاز گشته است و آن حضرت نشو و نما کرده زندگی می‌کنند- شیعه تحقیق کرده و به این نتیجه‌ی قطعی رسیده است که تاریخ صحیح‌تر و مستندتر، نیمه‌ی شعبان است. این است که با وجود اختلاف در روز و ماه و سال ولادت، شیعه یکی از اقوال را انتخاب و همان تاریخ را تقویت کرده است.

بنابراین، در آغاز، قرار بر پنهان کردن بوده است و یکی از راه‌های پنهان کردن این است که در تاریخ ولادت اختلاف بیفتد و کسی وقت دقیق تولد را نداند؛ همانند اختلاف در موضع قبر حضرت زهرا علیها السلام که عده‌ای می‌گویند: در بقیع است؛ دسته‌ای می‌گویند: در خانه‌ی خودش دفن شده؛ گروهی می‌گویند: جنب مرقد مطهر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دفن شده است. معلوم است وقتی داستانی را پنهان کنند، در آن اختلاف می‌شود.

آیا می‌توان پنداشت که این اختلاف در تاریخ ولادت نشان آن است که چنین شخصی اصلاً نبوده است؟! این‌گونه استدلال مانند این است که بگوییم: اختلاف در جایگاه قبر حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دلیل است که اصلاً ایشان به شهادت نرسیده‌اند و قبری ندارند!

اگر در موردی بنا بر این باشد که تاریخ و موضع را پنهان کنند، این ابهام بیشتر می‌شود. در تاریخ ولادت پیامبر اکرم ص نیز - که اول شخص آفرینش و اسلام است - اختلاف هست. گروه بسیاری از سنّیان تولّد او را در ۱۲ ربیع‌الأوّل و شیعیان آن را در ۱۷ ربیع‌الأوّل دانسته‌اند.

اگر به تاریخ بنگریم، در مورد تولّد، وفات و بسیاری از حوادث مهمّ تاریخی اختلاف بسیاری هست. آیا این‌ها دلیل است که چنان اشخاصی در تاریخ نمی‌زیسته‌اند؟ یا خود اختلاف گواه است که چنین شخصیّتی بوده و زندگی می‌کرده است؛ امّا در برخی حوادث مربوط به او اختلاف وجود دارد.

در مورد ولادت امام زمان ع، نگاه کنید به:

- بحار الأنوار ۵۱: ۲ - ۲۸.

- منتهی الآمال ۲: ۷۴۵.

- گفتارهایی پیرامون امام زمان، فصل ۳.

- نجم ثاقب: ۲۳.

- روزگار رهایی ۱: ۱۳۷.

- خورشید مغرب: ۱۸.

- گزیده‌ی کفایة المهتدی: ۱۴۴.

- امام مهدی ع از ولادت تا ظهور: ۱۳۳ - ۱۷۳.



سؤال : حدیث یا عبارت « کُلُّهُم نُوْرٌ وَّاحِدٌ » (= تمامی ائمه یک نورند) را توضیح دهید. اگر این جمله صحیح است، مسأله‌ی تفاوت مقام حضرت مهدی علیه السلام با بقیه‌ی امامان علیهم السلام چگونه توجیه می‌شود؟

جواب : عبارت حدیث به صورت ذیل وارد است:

« کُلُّنا وَّاحِدٌ مِّن نُّوْرِ وَّاحِدٍ. »^۱

این بدان معنی است که آن‌ها از یک منبع نورانی تغذیه می‌کنند. در اصل آفرینش از نور واحدند. در عالم ارواح و اشباح و اظله از یک اصل اشتقاق یافته به یک حقیقت برمی‌گردند. آن نور واحد نور عظمت خداوند است.

روایات گفته‌اند که ارواح امامان علیهم السلام، از علیین بالاتر است و بدن‌هایشان از علیین است. ارواح شیعیان از علیین و اجسامشان از اصلی پایین‌تر از علیین است^۲ و نیز برنامه و مسؤولیت امامان، همه از عالم وحی است و اعتقاد و اخلاق و کردارشان همگی الاهی و

۱. بحار الأنوار ۲۶: ۱۶ و ۲۸۱.

۲. همان ۲۵: ۸، ح ۱۲.

انسانی است. خطّ اصلی زندگی آنان بندگی و عبودیت کامل است؛ اگر چه عصر و زمان هر یک با دیگری تفاوت دارد و از این رو وظایف آنان با یک دیگر تفاوت می‌کند.

از آن میان، وظیفه‌ی امام زمان علیه السلام با تمامی ائمه علیهم السلام، در اجرای قانون اسلام در سراسر جهان تفاوت عمده دارد که در پاسخ پرسش‌های دیگر آورده‌ایم.

بنابراین، آنان در چند امر اشتراک دارند: در این که از جانب خدایند و معصوم و منزّه از اشتباه و گناه. واسطه‌ی رسیدن فیض به همه‌ی موجودات‌اند. عالمان و راسخان در علم و مفسّران قرآن‌اند. مسؤلیت تبلیغ و حفظ دین از بدعت‌ها به عهده‌ی آنان است.

برای آشنایی بیشتر با بحث شناخت امام، مراجعه کنید به:

- اصول کافی ۱: ۱۶۸ - ۵۴۸ (کتاب الحجّة).

- معرفت محبوب.

- معرفت امام عصر علیه السلام.

- گزیده‌ی کفایة المهتدی.

- امامت و مهدویت، ج ۲، معرفت حجّت خدا.

- وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام.

- پیرامون معرفت امام.



سؤال : آیا غیبت ویژه‌ی امام دوازدهم علیه السلام است یا در امامان و انبیای گذشته علیهم السلام نیز سابقه داشته است؟

جواب : غیبت به معنای پنهانی مطلق از حواس مُدرک انسانی، اعمّ از حسّ و عقل و وهم و خیال، صرفاً ویژه‌ی خداوند است. گذشته از این، غیبت نسبی نیز وجود دارد و از این رو، هیچ‌یک از انبیا و ائمه علیهم السلام برای همه‌ی مردم و در همه‌ی جوامع حضور همیشگی نداشتند و هر کدام دارای حضور نسبی و غیبت نسبی بوده‌اند. اصولاً هر انسانی چنین است؛ گروهی از مردم با او دیدار و حشر و نشر دارند و گروهی دیگر ندارند.

در احادیث، وضعیّت امام زمان علیه السلام را در دوران غیبت، به پیامبران گذشته همانند کرده‌اند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«در قائم ما علاماتی از موسی بن عمران هست.»

راوی می‌گوید: پرسیدم: آن‌ها چیست؟ فرمود:

«پنهانی میلاد و غیبت او از گسان...»^۱

نیز راوی می‌گوید: از حضرت امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

۱. بحار الأنوار ۵۱: ۲۱۶، ح ۲.

«صاحب الامر علائمی از چهار پیامبر علیهم السلام دارد:
... علامت او از موسی ترس و انتظار (در دوره ی غیبت)
است.»^۱

بنابراین، می بینیم که داستان غیبت و نهان زیستی در میان انبیا
و پیامبران گذشته نیز سابقه داشته است.

شیخ صدوق روایاتی در غیبت انبیای سلف مانند: ادریس،
نوح، صالح، ابراهیم، یوسف و موسی علیهم السلام آورده و برای تمام آنان
نوعی غیبت اثبات کرده است.^۲

در مورد غیبت، به کتب زیر مراجعه کنید:

- خورشید مغرب، فصل سوم.

- روزگار رهایی، بخش های ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹.

- خورشید پنهان: ۲۴۹ - ۲۵۸.

- المهدی (عربی): ۱۵۵ - ۱۸۹.

- در فجر ساحل، بخش یأس و امید.

- کمال الدین (عربی).

- غیبت نعمانی (عربی).

- غیبت شیخ طوسی (عربی).

- ده انتقاد و پرسش.

- تاریخ الغیبة الصغری (عربی).

۱. همان ۵۲: ۳۱۶، ح ۳.

۲. کمال الدین: ۱۲۷ - ۱۴۵.

- تاریخ الغیبة الكبرى.

- نوید امن و امان: ۱۴۵ - ۲۰۶ (بخش ۲۵).

- امام مهدی [علیه السلام] حماسه‌ای از نور: ۴۵ - ۵۲ (بخش ۳).



سؤال : چرا از میان امامان فقط امام زمان علیه السلام غیبت دارند؟ حکمت و علت آن چیست؟

جواب : میان علت و حکمت تفاوت هست. علت، اصطلاحی فلسفی است که به عامل به وجود آمدن چیزی گفته می شود. لذا می گویند: میان علت و معلول در هستی و نیستی، بایستگی وجود دارد. هستی علت، ضرورت و هستی معلول را همراه دارد و وجود معلول هم حاکی از وجود علت است.

مسأله این است که فهم علت حقیقی احکام و مسایل اسلامی برای ذهن بشر آسان نیست. از آن جهت، هنگامی که درباره ی علت غیبت از امامان علیهم السلام پرسش می شود، پاسخ می فرمایند: «خدا می داند.» یا این آیه را در پاسخ می گویند: «از آن چه اگر برایتان معلوم گردد، شما را ناراحت می کند، پرسش نکنید.»^۱؛ چرا که جهات کلی و ابعاد گوناگون هر امری را جز خدا نمی داند.

بنابراین، علت غیبت مسأله ای است که غیبت، در هستی و نیستی، بر محور آن مسأله می چرخد و با وجود آن، غیبت ادامه

۱. مائده (۵): ۱۰۴ و بحارالأنوار ۵۲: ۹۲.

می یابد و با نبود آن، به پایان می رسد. این چنین احاطه‌ی دانش و علم را جز خدا یا کسی از سوی خدا دارا نیست تا بداند مسایل غیبت چیست و کی منتفی می شود. با این همه، پیشوایان معصوم ما در ضمن احادیث غیبت به حکمت‌هایی چند اشاره فرموده‌اند. آنان هرگز به بیان علّت تامّه نپرداخته و چنین از قرآن کریم شاهد آورده‌اند: ﴿از آن چه که اگر برایتان آشکار گردد، ناراحت شوید، میرسید.﴾

حکمت آن پدیده‌ی اولی است که پدیده‌ی دوم در ابتدای پدیداری دایره مدار آن است؛ امّا در عدم و نیستی و ادامه‌ی هستی دایره مدار آن نیست. ممکن است حکمت از بین برود و پدیده‌ی دوم هنوز به هستی خود ادامه دهد یا حکمت وجود داشته باشد و پدیده‌ی دوم نباشد.

بنابراین علّت اصلی غیبت پس از ظهور روشن می شود. (بحارالأنوار ۵۲: ۹۱) این علّت عالی و مخفی را به کارهای خضر و موسی علیه السلام تشبیه کرده‌اند که پس از اتمام مأموریت خضر علیه السلام، حکمت آن‌ها را برای حضرت موسی علیه السلام روشن شد.

امامان علیهم السلام - برای این که به پرسش‌گران بفهمانند که احاطه‌ی علمی به تمامی احکام و پدیده‌ها امکان ندارد - از واژه‌ی حکمت استفاده کرده و چند نکته را یادآور شده‌اند:

۱. هر چند در برخی احادیث تعبیر علّت داشته‌اند؛ امّا مقصود علّت فلسفی - به معنایی که توضیح دادیم - نیست بلکه علّت عرفی است؛ مانند: احادیث کتاب علل الشرایع شیخ صدوق رحمه الله.

- ۱- امتحان و غربال شدن مردم.
- ۲- خوف از کشته شدن امام علیه السلام در صورت ظهور دائمی و در نتیجه انجام نشدن وظایف امامت آن بزرگوار.
- ۳- بر سر کار آمدن مکتب‌های بشری و ناکامی و شکست آنان و آماده شدن انسان‌ها و جهانیان برای پذیرش ظهور و حکومت جهانی آن حضرت.
- ۴- در امنیت بودن و دوری از پیمان و بیعت ستمگران.
در مورد حکمت‌های غیبت، مراجعه کنید به:
- بحار الأنوار ۵۲: ۹۱ - ۱۰۰ (باب ۲۰).
- کمال الدین: ۲۲ - ۲۳.
- منتخب الأثر: ۳۳۰ - ۳۳۸ (باب ۲۸ و ۲۹).
- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۱۸۴ - ۱۹۴.
- امامت و مهدویت ۳: ۱۱۵ - ۱۵۰.
- غیبت نعمانی: ۱۴۰ - ۱۹۴ (باب ۱۰).
- گفتارهایی پیرامون امام زمان، فصل ۵.
- نجم ثاقب: ۱۳۷.

سؤال : چرا در هنگام یادکرد امام مهدی علیه السلام - بر اساس سخن نهی اکیدی که در پاره‌ای روایات شیعه آمده است - نام اصلی آن حضرت را بر زبان نمی‌آوریم و او را با القاب و کُنیه‌ها یاد می‌کنیم؛ مانند: «مهدی»، «قائم آل محمد»، «حجّت الله»، «بقیة الله» و... ؟

جواب : نهی از بر زبان آوردن نام مخصوص ریشه‌ی حدیثی دارد. کلینی در کتاب الحجّه‌ی کافی بابی باز کرده است به نام «باب فی النهی عن الاسم». او در آن جا چهار حدیث نقل کرده که علامه‌ی مجلسی در شرح آن‌ها دو روایت را توثیق فرموده است.^۱
محدّث نوری در باب دوم نجم ثاقب، ۱۳ حدیث آورده است که از تمامی آن‌ها استفاده می‌شود که ذکر نام مخصوص آن بزرگوار جایز نیست. در این جا تنها یک حدیث می‌آوریم:

أبان بن صلت از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که از او درباره‌ی قائم علیه السلام پرسیدند: آن حضرت فرمود: «پیکر او دیده نشود و نامش ذکر نگردد.»^۲

۱. مرآة العقول ۴: ۱۶.

۲. نجم ثاقب: ۷۴، ح ۶.

آن چه مسلم و قطعی است این که حرمت نام بردن از آن حضرت به نام مخصوص تا پایان دوران غیبت صغری و آن هم به خاطر مصالح این دوره بوده است. در روزگاران گذشته، پیشوایان معصوم علیهم السلام از افشای نام او، جز برای عده‌ای خاص، خودداری کرده و به ذکر لقب و کنیه‌های متعدد اکتفا کرده‌اند. لیکن برخی از فقها و دانشمندان پس از آغاز دوران غیبت کبری، نام بردن از آن حضرت را جایز شمرده‌اند؛ جز این که به احترام و بزرگی و رعایت روایات نهی کننده، احتیاط را در ترک نام بردن دانسته‌اند.

حال وظیفه‌ی امروز ما عمل به روایات و سنت و روش اکثر فقها و محدثان است. اگر چه به نظر برخی حکمت و علت حرمت نام بردن منتفی شده است، مصالح و مفاسد بی شمار در احکام الهی و عدم تسلط بشر بر تمامی آن‌ها و قلت سرمایه‌ی علمی انسان اقتضا می‌کند که جانب احتیاط را رعایت کرده نام مخصوص را بر زبان نیاورد.

از این روی، ما نیز به پیروی از محدثان عالی مقام، از یادکردن نام خاص آن حضرت «م ح م د» خودداری کرده با القاب گوناگون نام و یادش را گرامی می‌داریم و به پیشگاهش استغاثه می‌کنیم.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ! مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا
بِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ، فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا؛ إِنَّ اللَّهَ
يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.﴾^۱

۱. یوسف (۱۲): ۸۸.

درباره‌ی نهی از نام‌بردن از آن حضرت، نگاه کنید به:

- اصول کافی ۱: ۳۳۲.

- ترجمه‌ی اصول کافی ۲: ۱۲۶.

- مرآة العقول ۴: ۱۶.

- نجم ثاقب: ۷۲، ح ۱-۱۳.



سؤال : نام و تعداد و ویژگی‌های نایبان امام
عصر علیه السلام را توضیح دهید.

جواب : افراد مورد اعتماد و مطمئن که عمدتاً در دوره‌ی غیبت
صغری با آن حضرت رفت و آمد داشتند، بنا به نقل تواریخ، متعدد
بوده‌اند؛ اما معروف‌ترین آنان چهار نفرند:

ابوعمر و عثمان بن سعید بن عمرو اسدی

ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمّری

ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی‌بحر نوبختی

ابوالحسن علی بن محمد سمّری [یا سمّری یا سمّری]

نیابت این سفیران و نایبان امام زمان علیه السلام، همانند وکالت
نمایندگان حضرت هادی و حضرت عسکری علیه السلام بود. آنان نیز برای
عادت دادن مردم به دوران غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام کارها و امور
مردم را از طریق نمایندگان برگزیده‌ی خویش انجام می‌دادند.

در طول ۶۹ سال غیبت کوتاه حضرت مهدی علیه السلام، این سفیران
با نگاه‌داری اسرار امامت، نیاز شیعیان را از نظر احکام و مشکلات و
عقاید از طریق امام عصر علیه السلام تأمین می‌کردند. لذا در این مدّت، راز
مکان و موقعیت امام و نیز نایبان آن حضرت فاش نگردید و کسی

گرفتار نشد. رازداری این سفیران به حدّی بود که گفته می‌شد اگر گوشت بدن اینان را با قیچی قطعه‌قطعه کنند تا محلّ و موقعیت امام علیه السلام را فاش سازند هرگز چنین نخواهند کرد.

علاوه بر رازداری و امین بودن، این سفیران از محبّان خاصّ خاندان امامت و ولایت و افرادی دانا و خردورز و باتقوا بودند و مردم به وسیله‌ی آنان و طیّ نامه‌ها، سوالاتی از حجّت زنده و امام معصوم می‌کردند و پاسخ صحیح دریافت می‌داشتند؛ حتی نامه‌هایی که با قلم بدون مرکّب بر روی کاغذ نگاشته شده بود! با چنین آزمون‌هایی، به ارتباط این سفیران با امام عصر خویش یقین می‌کردند. اینک توضیحی کوتاه درباره‌ی هریک از این بزرگان:

۱- عثمان بن سعید از یاران و شاگردان امام دهم و یازدهم علیه السلام بود و از آن دو حجّت خدا وکالت داشت. از یازده سالگی افتخار خدمت به خاندان پیامبر یافت و مورد وثوق و اطمینان سه خورشید هدایت قرار گرفت. در محله‌ی لشکری‌ها و در نزدیکی امام هادی و حضرت عسکری زندگی می‌کرد. چند سال نایب امام زمان علیه السلام بود. در بغداد وفات یافت و همان‌جا مدفون شد. سال وفات او را پس از سال ۲۶۰ گفته‌اند.

۲- محمد بن عثمان فرزند نایب اوّل و درگذشته‌ی سال ۳۰۵ هجری و مدفون در بغداد است. او از یاران امام یازدهم و دوازدهم علیه السلام و مورد تمجید هر دو امام علیه السلام بود. حدود چهل سال مقام نیابت را به عهده داشت.

حضرت بقیّة الله علیه السلام چند توطیع به افتخار نایب دوم و پدرش

صادر فرموده‌اند که در آثار و منابع نقل شده است^۱. این توقیع‌ها نشانه‌ی مرتبه‌ی عالی این دو نزد امام عصر علیه السلام است.

۳- حسین بن روح نوبختی از خاندان بنی نوبخت بود. این نایب ایرانی تبار در گذشته‌ی سال ۳۲۶ هجری است. او مورد اعتماد محمد بن عثمان بود و در دو سال آخر عمر نایب دوم او را یاری می‌کرد. محمد بن عثمان به دستور امام علیه السلام او را به نیابت وصیت کرد.

۴- علی بن محمد سمري در سال ۳۲۹ هجری (آغاز غیبت کبری) درگذشت و در بغداد به خاک سپرده شد. او هم عصر محمد بن یعقوب کلینی صاحب کتاب الکافی است.

این نایبان مسایل و مشکلات شیعیان را دریافت و به آستان مقدس امام غایب می‌رساندند. آن‌گاه پاسخ مسایل و مشکلات را برای مردم می‌آوردند. آنان از بیم جور خلفای زمان در تنقیه می‌زیستند و جز برای خواص شیعه و یاران رازدار هوشیار، رابطه‌ی خود را آشکار نمی‌ساختند. چهارمین آنان در روزهای آخر عمر، نامه‌ای از سوی حضرت مهدی علیه السلام دریافت کرد که: «... غیبت کبری آغاز گشته است و دیگر نیابتی نخواهد بود. کسی را به نیابت منصوب نکن و تو تا شش روز دیگر وفات خواهی کرد.»

متن آن نامه (توقیع) به این شرح است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمْرِيُّ
أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ! فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ

۱. رک. کلمة الامام المهدي علیه السلام، ج ۱.

سِتَّةِ أَيَّامٍ، فَاجْمَعْ أَمْرَكَ، وَ لَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ
 بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ
 إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ، وَ قَسْوَةِ
 الْقُلُوبِ، وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا، وَ سَيَأْتِي إِلَى شِيعَتِي مَنْ
 يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ
 كَذَّابٌ مُفْتَرٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۱

«به نام خداوند بخشایندهی مهربان. ای

علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را در (وفات)
 تو بزرگ گرداند! همانا تا شش روز دیگر از دنیا خواهی
 رفت. کارهای خود را جمع کن و دیگر به کسی وصیت مکن
 تا پس از مرگ تو جانشین تو شود؛ چرا که غیبت کامل
 (کبری) آغاز گشته و ظهوری نیست مگر پس از اذن خداوند
 تعالی و این پس از زمان دراز و قساوت دل‌هاست و
 آکنده شدن زمین از ستم. به زودی کسانی برای شیعیانم
 ادعای دیدار می‌کنند. پیش از خروج سُفْیَانِی و صیحه،
 چنین ادعاکننده‌ای افترازننده‌ی دروغ‌گوست و هیچ نیرو و
 توانی جز از خدای سترگ و الامر تبه نیست.»

مفاد این توقیع از سویی باب نیابت خاصه را مسدود اعلام
 می‌کند و آغاز غیبت کبری را به اطلاع مردم می‌رساند و از طرفی
 دیگر هر مدعی مشاهده- که همچون نایبان خاص آگاهی بر مکان
 آن حضرت و توان دیدار آن امام را به اراده‌ی خویش ادعا کند- در

۱. کلمة الامام المهدي: ۲۸۴ - ۲۸۵.

دوران غیبت تکذیب می فرماید؛ بی آن که تجلیات خورشید وجود آن حضرت را بر مردمان شیفته نفی کند و باب تشرّفات را مسدود کرده باشد.

پس از شش روز، پیش‌گویی امام علیه السلام به وقوع پیوست. او از دنیا رفت و از آن روز (نیمه‌ی شعبان ۳۲۹) غیبت کبری آغاز گشت. در این زمینه، مراجعه شود به:

- کلمة الامام المهدي ۱: ۱۳۹ - ۱۶۲.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، فصل نهم.

- خورشید مغرب: ۴۱ - ۵۰ (فصل سوم).

- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام: ۶۵ - ۸۰ (فصل ۵ و ۶).

- روزگارهایی ۱: ۲۹۱ - ۳۰۷.

- العبقريُّ الحسان ۲: ۲۱ - ۲۸ (بساط چهارم).

سؤال : آیا در دوران غیبت کبری می‌توان با امام زمان ارواحنافداه دیدار کرد؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه با مضمون توقیع آن حضرت سازش دارد که در آن به آخرین نایب خاص خود جناب علی بن محمد سمری فرموده است:

«کسی که پیش از خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی ادعای دیدار کند دروغ‌گو و افترازننده است.»؟

جواب : بی‌تردید در دوران غیبت کبری امکان دیدار وجود دارد و بهترین دلیل آن وقوع و تحقق آن در طول تاریخ غیبت کبری است. نوشته‌های محدثان، از کهن‌ترین کتب تا به امروز، همگی از نقل وقایعی مملو است که در روزگاران غیبت صغری و کبری به وقوع پیوسته است و بسیار کسان با امام خود دیدار کرده‌اند.

نکته‌ی گفتنی این است که آیا این دیدارها به خواست و اراده‌ی دیدارکنندگان به وقوع می‌پیوندد یا به اراده و اذن خود امام علیه السلام؟

تجربه نشان می‌دهد و جمله‌ی توقیع آن حضرت به علی بن محمد سمری دلالت می‌کند که دیدارها به اراده و اذن و خواست خود حضرت مهدی علیه السلام است؛ نه به خواست مردم مشتاق. یکی از معانی

غیبت کبری و صغری نیز همین است. آن چه در توقیع امام علیه السلام نفی شده است دیدار دو طرفه با خواست دیدارکننده است (تا باب ادّعی نیابت و... بسته شود).

در توقیع، این جمله‌ی «فلا ظهوراً إلا بعد اذن الله» وجود دارد که نشان می‌دهد ظهور نخواهد بود مگر این که خداوند اذن دهد. چنین مشاهده‌ای منتفی است و الاّ اللطاف و احسان بی‌پایان مستقیم و حضوری و غیرحضوری آن حضرت به انسان‌ها عموماً و شیعیان خصوصاً هرگز مورد تردید نیست.

در پایان - در تأیید این که حضرت مهدی علیه السلام همواره نسبت به شیعه لطف دارند و گاه‌گاهی تجلّی می‌کنند - جمله‌ای از توقیع آن حضرت به شیخ مفید می‌آوریم:

«اخبار شما نزد ماست. از ناراحتی‌های شما آگاه‌ایم و در رعایت حال شما بی‌اعتنائی نمی‌کنیم. یاد شما را فراموش نمی‌کنیم و الاّ زندگی سختی پیدا می‌کنید و دشمنان شما را به نابودی می‌کشند.»^۱

رعایت و یاد و وصول اخبار بسیار، همواره با احسان و لطف حضوری بوده است. در یک تحقیق اجمالی می‌بینیم که پاک‌ترین و مطمئن‌ترین کسان در طول تاریخ توانسته‌اند به دیدار آن سرور بار یابند؛ به گونه‌ای که جای تردیدی باقی نمی‌ماند؛ مانند سیّد بحر العلوم، علامه‌ی حلی، مقدّس اردبیلی و بسیاری دیگر.

در این باره، مراجعه کنید به کتاب مهر محبوب، صص ۳۱-۴۹
و برای دیدارها، نگاه کنید به کتاب:

- نجم ثاقب، باب هفتم.

- صبح امید: ۱۰۱-۱۱۵ (بخش جلوه‌ها).

- جنة المأوى.

- روزنه‌ای به خورشید.

- ترجمه‌ی إثبات الهداة ۷: ۲۷۰ به بعد (باب ۳۳).

- منتهی الآمال ۲: ۸۰۴-۸۰۵.

سؤال : امام زمان علیه السلام را در چه نقاطی می توان
بیشتر دید؟ آیا ایشان در مکان های عمومی هم
تشریف فرما می شوند یا این که صرفاً در محل های خاصی
می شود آن حضرت را زیارت کرد؟

جواب : حضرت صاحب الزمان علیه السلام در مکان های خاصی
تشریف فرما می شوند و به جاهایی حتماً قدم نمی گذارند. در مجالس
لهو و لعب گام نمی گذارند؛ اگرچه بر آنها نظارت و تسلط دارند و
خداوند ایشان را از اخبار آنها آگاه می گرداند. ایشان در مراکز فساد
و حرام و آلوده وارد نمی شوند. به عمل به مستحبات مقیدند. به
زیارت امام حسین علیه السلام مخصوصاً در شب های جمعه، عمره ی رجب،
زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان دیگر مشرف می شوند. ایشان به اکثر
اجتماعات دینی شیعی لطف خاصی دارند؛ آن اجتماعات هرچه
مفیدتر و سازنده تر و به خواست و رضایت خداوند نزدیک تر باشد،
بیشتر مورد توجه ایشان خواهد بود.

عقل و تجربه حکم می کند که مجالس ذکر مناقب و مصائب و
توسل به سیدالشهدا علیهم السلام را مورد عنایت قرار دهند. در محافل، افزونی
جمعیت ملاک نیست. صفای باطن گوینده و زلالی شرکت کنندگان و

نیّت خیر صاحب‌خانه و دعا‌هایی که برای حضرت او در آن مجلس می‌شود و نحوه و ادب شرکت‌کنندگان در جلب نظر او دخالت تام دارد و چه بسیار آن حضرت در این گونه مجالس دیده شده‌اند! تأکید می‌کنم در مجالس روضه و توسّل به امام حسین علیه السلام امید به دیدن حضرت بیش‌تر است. در مکه و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله، در عتبات مقدّسه و در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام هم بسیار دیده شده‌اند.

خاطره‌ای را نقل می‌کنم:

در حدود ۲۵ سال پیش، عده‌ای از دوستان باصفای ما از آبادهی شیراز، شب جمعه‌ای را به‌عنوان مسافرتی دسته‌جمعی برای استراحت بیرون شهر رفته بودند؛ به منطقه‌ای کوهستانی با درختانی چند و بر لب چشمه‌ی آبی. شب جمعه، دعای کمیل خوانده بودند و حال خوبی داشتند. بسیار به حضرت صاحب‌الأمر علیه السلام استغاثه کرده بودند. معمولاً آن‌هایی که خدمت آن حضرت می‌رسند، در آن حالت دچار غفلت و فراموشی کامل می‌شوند؛ زیرا اگر توجه داشته باشند، فریاد می‌زنند و بی‌تابی می‌کنند و دیگران متوجه می‌شوند و ماجرا فاش می‌شود؛ چرا که تنها عده‌ای خاص باید مورد لطف قرار گیرند. یکی از آنان - که امروز زنده است - بعد از واقعه تعریف می‌کند:

به‌خاطر آن‌که در منطقه‌ای باز و کوهستانی استراحت کرده بودیم برای حفاظت گروه از گزند حیوانات قرار شد هر دو ساعت یک نفر نگهبانی دهد و دیگران بخوابند. نوبت نگهبانی من بود و شب از نیمه گذشته بود. در حاشیه و اطراف محلی که دوستانم خوابیده بودند، راه

می‌رفتم. متوجه شدم در کنار چشمه‌ی آبی که در فاصله‌ی کمی با ما قرار داشت، گویا یک چراغ زنبوری روشن است و کسی آب می‌نوشد. جلو رفتم. دیدم آقای بزرگوار نورانی و موقری کنار چشمه‌اند. سلام کردم و پرسیدم: شما در این موقع شب، در این جا چه کار می‌کنید؟ فرمودند: من هر جا دوستانم جمع بشوند، سر می‌زنم. کسانی که دیشب این جا آمده‌اند دوستان مایند و مورد علاقه‌ی ما. من به خاطر آن‌ها به این جا آمده‌ام.

در آن حال، این جوان به کلی غافل شده بود که موضوع چیست. فردا صبح دوستان بیدار شده و دعای ندبه خوانده بودند و در خِلال آن دعای شورانگیز استغاثه کرده بودند. در ساعات آخر که داشتند وسایل خود را جمع می‌کردند تا بروند. یک مرتبه این فرد مثل اسپند روی آتش از جا پریده بود و منقلب شده بود. دوستانش حال او را پرسیده بودند. گفته بود: بنشینید؛ قصه‌ای دارم. آن‌گاه داستان شب گذشته را نقل کرده بود.

کسانی که در سنین جوانی و نوجوانی به او متوسل می‌شوند و استغاثه می‌کنند، بیش‌تر مورد نظر قرار می‌گیرند. نتیجه این که محلّ مورد احتمال شرکت آن جان‌جانان در محافلی است که شیعیان در آن جا به عبادت و ذکر مشغول باشند و به بندگی خدا پردازند.

به جوانان توصیه می‌کنم: در جلساتی که شرکت می‌کنید، با ادب و با وضو باشید. نیت را خالص کنید. برای خدا بروید. توجه داشته باشید. آن امام مهربان به جوانان عنایت بیش‌تری دارند؛ زیرا آنان گناهشان کم‌تر است و بارشان سبک‌تر و اگر قرار باشد که

عنايت خاصّی باشد، آن‌ها مورد عنايت قرار خواهند گرفت.
إن شاء الله.

در این باره، نگاه کنید به:

- نجم ثاقب، باب دهم.

- ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ص ۲۳۸ (تکلیف نهم) و ص

۲۴۱ (تکلیف دهم) و ص ۲۴۵ (تکلیف سیزدهم) و ص ۳۰۵

(تکلیف بیست و نهم).

- پیوند معنوی، تکلیف ۵۴.

- رعاية الامام مهدی عليه السلام (عربی).

سؤال : می‌گویند امام عصر ارواحنفاذ فرموده‌اند:
 «ما هرگز شیعیانمان را از یاد نمی‌بریم و به یاد آنان ایم.» آیا
 منظور ایشان همه‌ی شیعیان‌اند؛ حتی گناه‌کاران یا پاکان و
 پرهیزگاران از آنان؟ در این صورت گناه‌کاران چه می‌کنند؟

جواب : در فرهنگ روایات اهل بیت، شیعیان افراد خاصی‌اند؛
 لیکن هیچ واژه و مفهوم و مصداق معنوی، در یک طبقه‌ی خاص
 تعیین نشده بلکه شامل مراتب گوناگون است. اگرچه در صدق یک
 واژه و مفهوم آن بر افراد برتر، ذهن آماده‌تر است، آن مفهوم بر مراتب
 پایین‌تر نیز صدق می‌کند. به عبارت دیگر، تمامی کمالات، تشکیکی
 است و هرگز در تعاریف، تنها مراتب درجه‌ی اول در نظر نیست.
 در فرهنگ دینی ما، عالم، مؤمن، فقیه، صالح و متقی بسیار
 به کار رفته است؛ اما متقی، صالح و مؤمن فقط به رتبه‌ی خاص و فرد
 منحصری گفته نمی‌شود؛ گرچه برترین رتبه‌ها همواره در نظر باشند.
 از باب نمونه، فقیه واژه‌ای است که معنای آن «دانای راسخ در دین»
 است. منظور از فقیه تنها مرتبه‌ی مقبولی از فقاہت نیست. که مثلاً
 شیخ طوسی آن را دارا بوده است. بلکه مراتب کم‌تر و درجات
 پایین‌تر را هم شامل می‌شود.

نتیجه‌ی سخن این‌که جمله‌ی مبارک امام عصر ارواحنا فداه که
(در توفیق شیخ مفید) فرموده‌اند:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ
لِذِكْرِكُمْ.»

«ما از یاد شما غافل نیستیم و در رعایت شما
سهل‌انگاری نمی‌کنیم.»

تنها برترین مقامات شیعیان را شامل نمیشود بلکه سایر مردم
پرهیزگار و مراقب را نیز فرا می‌گیرد؛ به شرط آن‌که آن اندازه از
اخلاق شیعه بودن دور نباشند که اطلاق واژه‌ی شیعه بر آن‌ها به مجاز
و غیرحقیقت باشد.

اگر قرار باشد فقط آن مراتب والا و بلند از شیعیان در نظر
حضرت مهدی علیه السلام باشند، صرفاً چند نفر معدود را در هر زمان شامل
خواهد شد و دیگر مردم تلاش نخواهند کرد که از مراتب دون به
مراحل بالاتر سیر و سفر کنند و الطاف و مهر فراگیر آن امام و سرور ما
فراگیر و همه گیر نخواهد شد؛ حال آن‌که از دریای موج محبت او همه
کس به اندازه‌ی ظرفیت پیمانه‌ی خود، آب حیات می‌گیرد و بهره‌ی
معنوی می‌برد و هر که در کنار آب زلال لطف او قرار گیرد از قطره‌ی
وجود او حیات تازه می‌یابد.

این قانون مهر رحمانی خداوند است و امامان مظاهر تامّ مهر
رحمانی و رحیمی اویند. آنان در محبت و دست‌گیری بی‌چارگان و
درماندگان، لحظه‌ای دریغ نمی‌دارند و این خوی کریمان را در اوراق
بسیار تاریخ از خود نشان داده‌اند.

شیخ صدوق علیه السلام در کتاب «ثواب الأعمال» چنین نقل کرده است: مُعَلَّى بن خُنَیْس گوید:

«امام صادق علیه السلام در شبی بارانی، به قصد رفتن به ظِلّه‌ی بنی ساعده [جایگاهی که به قبیله‌ی بنی ساعده منسوب بود و بی‌نویان شب‌ها در آن می‌خوابیدند] از خانه بیرون آمد و من پشت سر آن حضرت رفتم. در میان راه چیزی از دست حضرتش افتاد. (به درگاه خدا) عرض کرد: «بسم الله، خداوندا! آنچه را افتاد بازگردان.»

من [در تاریکی] نزدیک رفتم و سلام کردم. فرمود: «تو مُعَلّایی؟» گفتم: آری، فدایتان کردم. فرمود: «با دست جستجو کن و هر چه یافتی به من بده.» چون دست بردم، دیدم مقداری نان روی زمین ریخته است. آن‌ها را برداشتم و به ایشان می‌دادم. در ضمن متوجه شدم که انبانی پُر از نان همراه امام است. گفتم: فدایتان شوم، اجازه می‌دهید آن را من بردارم؟ فرمود: «نه، خودم باید آن را ببرم؛ لیکن تو با من بیا.» تا ظِلّه‌ی بنی ساعده رفتیم. دیدم جمعی در آن جا خوابیده‌اند. امام صادق علیه السلام پیش رفت. زیر باروئنه‌ی هر کدام، یک قرص و دو قرص نان، به آرامی می‌گذاشت (تا بیدار نشوند). برای همه‌ی آنان نان گذاشت. آن‌گاه بازگشتیم. در راه پرسیدم: آیا اینان همه اهل مذهب حق بودند؟ فرمود: «اگر اهل مذهب حق بودند که در همه چیز آنان را با خود شریک می‌ساختم؛ حتی در نمک و زردچوبه.»^۱

۱. ترجمه‌ی ثواب الأعمال: ۳۲۰، ح ۲.

وقتی کسانی که اهل مذهب حق نیستند، این چنین مشمول
عنايات و الطاف امام صادق عليه السلام قرار می گیرند و نیز حضرت
صادق عليه السلام اهل مذهب حق (یعنی شیعیان) را حتی در نمک و
زردچوبه‌ی خود سهیم و شریک خود می خوانند، به یقین فرزند
برومندشان، حضرت مهدی عليه السلام نیز در مورد شیعیان عطف و
مهربان‌اند و همین بزرگواری و کرامت و آقایی را روا می دارند و...

در این صورت، به طور خلاصه می توان گفت که: همگان، اعم
از صالح و طالح، می توانند در معرض انوار عنایت و مَحَبَّت
آن حضرت قرار گیرند و بر این اساس رواست که صالح هرچه بیشتر
در صلاح بکوشد و طالح هرچه پیش تر از معصیت و پلیدی گریخته
به صلاح و اصلاح روی گذارد؛ به این امید که در برابر آن ولی
مهربان قرار گرفته مورد عنایت بی کرائش واقع شود.

در مورد الطاف آن حضرت، مراجعه کنید به:

- بحار الأنوار ۲۷: ۷۳ - ۲۳۹ (باب‌های ۴ تا ۱۰).

- ترجمه‌ی مکیال المکارم ۱: ۱۰۶ و ۲۶۷ و ۳۲۱.

- مهر محبوب.

- معرفت امام عصر عليه السلام: ۲۹۹.

- صبح امید: ۱۰۱.

سؤال : در آفرینش جهان، جایگاه امام کجاست و ولایت تکوین و تصرف چه معنایی دارد؟ این که می‌گویند امام زمان عجل الله تعالی فرجه واسطه‌ی فیض است، به چه معناست؟

جواب : ولایت در تکوین و تصرف بدین معناست که امام و حجّت خدا در آفرینش و تکوین نقش اساسی دارد. او فیض هستی و کمالات آن را از عالم ربوبی می‌گیرد و به سایر خلق می‌رساند؛ همانند خورشید که در فیض‌رسانی مادی به موجودات زنده نقش حیاتی دارد.

از آن جا که جریان فیض هستی و کمالات آن از بالا به پایین جاری است، از این رو، خداوند متعال، این فیض را به وساطت موجودات اشرف و برتر به سوی موجودات دیگر سرازیر می‌کند. در احادیث امامان علیهم‌السلام می‌خوانیم:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ.»^۱

«اگر زمین بی امام بماند، اهل خود را فرو می‌برد.»

۱. کافی ۱: ۱۷۹، ح ۱۰.

و نیز:

«الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ.»^۱

«پیش از آفرینش و همراه و پس از آن، وجود حجّت

(امام) بایسته است.»

بنا بر روایات متقن در باب چگونگی شکل‌گیری هستی، «خداوند متعال در مراحل آفرینش پیشین، از نور عظمت خود، نور پیغمبر اکرم ﷺ را آفرید. سپس از نور پیغمبر ﷺ، نور امیرالمؤمنین علیّ و حضرت فاطمه را آفرید. آن‌گاه از نور آن دو، نور امام حسن و امام حسین را پدیدار ساخت و سپس بقیّه‌ی امامان را. انوار نورانی معصومین از اولین مرحله در آفرینش، خدای متعال را تسبیح و تهلیل می‌کردند. سپس در عالم ارواح، ارواح طیّبه‌ی آن‌ها خلق شد و پس از تکوّن عالم اجسام، آن روح به جسم تعلق یافت و بدن عنصری آنان تحقق پیدا کرد. آن‌گاه از نور آنان بقیّه‌ی آفرینش را به مرحله‌ی ظهور رسانید.»^۲

تذکر این نکته جالب است که میان جسم آنان و روح شیعیان سنخیت وجود دارد. جسم آنان از عوالم علیّین و روح ایشان برتر از آن‌ها و روح شیعیان از عوالم علیّین و جسمشان از عالم پست‌تر است.^۳ مبنای این سخنان احادیث بسیاری در کتاب‌های زیر است:

- اصول کافی (ج ۱، صص ۳۸۹ - ۳۹۰).

۲. بحارالأنوار ۱۵: ۹، ح ۹.

۱. همان ۱: ۱۷۷، ح ۴.

۳. کافی: ۳۸۹، ح ۱ - ۴.

- بصائر الدرجات (ص ۴۰).

- بحار الأنوار (۲۵: ص ۱-۳۶ و ۲۶: ۱-۱۷ و ۲۳: ۳۰۴-).

(۳۲۵).

بنابراین، وساطت فیض توسط امام زمان علیه السلام به یک معنی گرفتن نور هستی از مراحل بالاتر و رسانیدن آن به مراحل پایین تر یعنی انتقال فیض هستی به موجوداتِ مادون است و این گونه آفرینش چیزی است که حکمت خداوند بر آن تعلق یافته و آن را در آفریده‌های خود سنت کرده است. این نحوه‌ی آفرینش را - که به حسب احادیث، قطعی و مسلم است - در زبان حکمت، قانون امکان الأشراف فالأشرف می‌گویند. طالبان تفصیل به باب خلقت انوار پیامبر و ائمه علیهم السلام در کتب روایی مراجعه فرمایند.

برخی فواید وجودی امام در روزگار غیبت کبری به فایده‌ی خورشید در پس ابر می‌ماند. به نقل بحار الأنوار از محمد بن یعقوب کلینی، امام زمان روحی فداه خود فرموده است:

«نحوه‌ی بهره از وجود من (جایگاه من در آفرینش و جامعه) در دوره‌ی غیبت به سان بهره از خورشید است که در پس ابر نهان شده باشد و همانا من برای زمینیان امان و آرامش‌ام؛ همان سان که ستارگان برای آسمانیان...»^۱

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسش می‌کند: آیا شیعه در هنگام غیبت از قائم علیه السلام بهره‌مند می‌شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۹۲، ح ۷.

«آری؛ سوگند به آن که مرا به پیامبری برانگیخت،
آنان از او بهره می‌برند و از نور ولایت او روشنایی می‌یابند؛
مانند بهره‌مندی از خورشید؛ هنگامی که در ابرها نهان
است.»^۱

علامه مجلسی در ذیل حدیث، هشت وجه برای همانندی-
بهره از امام در دوره‌ی غیبت- با آفتاب آورده است که ما آن‌ها را به
تفصیل در کتاب مهر محبوب (ص ۴۲) آورده‌ایم. این‌ها همگی از
جهت تکوین و آفرینش است.

اما از نظر تشریح و هدایت و امر به معروف و نهی از منکر، امام
نگاهبان دین و هدایتگر انسان‌ها و عامل به آن، امر به معروف و ناهی
از منکر و دل‌سوز و پدر مهربان برای آنان و خورشید جهان‌تاب
حیات‌بخش و دریای زلال گواراست.^۲

امام‌الگوی بندگی خدا و قافله‌سالار عبادت‌کنندگان و
نمازگزاران و حاجیان و... است که در پیشاپیش کاروان بشری
حرکت می‌کند و آنان را به سوی هدف مطلوب الهی می‌رساند.
این مقام هدایت به‌جز مقام ارشاد نشان‌دادن راه است که
هدایت تشریحی است؛ بلکه ایصال‌إلی‌المطلوب یا رسانیدن به کمال
مطلوب است که هدایت تکوینی در باطن اعمال نامیده می‌شود.

۱. بحارالأنوار ۵۲: ۹۳، ح ۸.

۲. کافی ۱: ۲۰۰، ح ۱، امام رضا علیه‌السلام.

این که در دعاها می‌گوییم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنِ...» و خداوند را به نام‌های پیشوایان معصوم قسم می‌دهیم، به خاطر آن است که آنان واسطه‌ی ارتقای اعمال و دعاها‌ی ما به آستان الاهی‌اند. از این رو، در حدیث شریف امام رضا علیه السلام در کتاب کافی، آمده است که آن حضرت در توصیف جایگاه و مقام امامت می‌فرمایند:

«بِالإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ...»^۱

«تمام بودن نماز و زکات و حج و... به (باورد داشتن و

پذیرش امامت) امام است.»

درباره‌ی فواید و جایگاه پیشوایان معصوم به‌ویژه امام زمان در آفرینش به کتب زیر مراجعه شود:

- بحار الأنوار ۵۲: ۹۰ به بعد و ۱۵: ۱ - ۱۰۴.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۲۸۴ تا ۲۹۵.

- اثبات الهداة ۷: ۲۷۰ به بعد.

- امامت و مهدویت ۱: ولایت تکوینی.

- معرفت امام عصر علیه السلام، بخش اول.

- خورشید مغرب: ۱۷۸.

- ترجمه‌ی مکیال المکارم ۱: ۲۷۱ و ۳۰۹.

۱. کافی ۱: ۲۰۰.

سؤال : چهره‌ی ظاهری آن حضرت در هنگام ظهور چگونه است؟ آیا با توجه به عمر دراز، چهره‌ی ایشان پیر است یا جوان؟

جواب : برخی از روایاتی که درباره‌ی امام عصر علیه السلام است این خصوصیت را بیان می‌کند که او به گذشت زمان پیر نمی‌شود و هم‌چنان چهره‌ی جوان دارد. در یکی از این روایات آمده:

عن أبي الصَّلْتِ الهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَاءِ عليه السلام: مَا
 عِلَامَاتُ الْقَائِمِ عليه السلام مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ؟ قَالَ:
 «عِلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ شَابًّا الْمُنْتَظَرِ حَتَّى
 أَنَّ النَّاطِرَ لِيَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونِهَا، وَإِنَّ مِنْ
 عِلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ
 أَجَلُهُ.»^۱

اباصلت هروی گویند: به حضرت رضاء علیه السلام عرض کردم: علامت قائم علیه السلام چیست (که او را بشناسیم)؟ حضرت رضاء علیه السلام فرمود: «از نشانه‌های او این است که از نظر

۱. منتخب الأثر: ۲۸۴، ح ۲ از کمال الدین.

سنّ و سال، پیر و از جهت قیافه و چهره، جوان است؛ تا آنجا که وقتی کسی به ایشان نگاه می‌کند، گمان می‌برد که او چهل سال یا کم‌تر دارد و نیز از نشانه‌های او این است که به گذشت روز و شب پیر نمی‌شود تا اجل او فرارسد.»

در حدیث دیگری می‌خوانیم: امام حسن بن علی علیه السلام فرمود:

«آن‌گاه که مهدی علیه السلام به پا خیزد، مردمان او را انکار می‌کنند؛ چرا که با چهره‌ی جوان به سوی آنان می‌آید و آنان گمان می‌کنند که باید چهره‌ی پیر داشته باشد.»^۱

در حدیث دیگری از کتاب غیبت طوسی آمده است که او در جوان بودن چهره به یونس پیامبر صلی الله علیه و آله شباهت دارد.^۲ در این باره به کتاب روزگار رهایی ۱: ۱۲۷-۱۲۹ مراجعه فرمایید.

بد نیست بدانیم که تمامی رستگاران که در دوران غیبت صغری و کبری با آن بزرگوار دیدار کرده‌اند، حضرتش را با چهره‌ی جوان و حدود چهل ساله زیارت کرده‌اند که خدای روزی‌مان کناد!
این شاء الله.

نمونه‌ای از دیدارها را در کتاب‌های زیر مطالعه فرمایید:

- نجم ثاقب، فصل ۷.

- روزنه‌ای به خورشید.

- منتخب الأثر (فصل ۵، باب ۱ و ۲).

- جنّة المأوی.

۱. ینابیع المودّة، به تحقیق سیّد علی جمال اشرف الحسینی ۳: ۳۹۳ (باب

۲. منتخب الأثر: ۲۸۵، ح ۶.

۹۴، ح ۳۹).

سؤال : اگر ظهور حضرت مهدی علیه السلام هم راه و ملازم
پُرشدن زمین از بیداد و ستمگری است، آیا کوشش در راه
نشر احسان و نیکی و تقوی فایده دارد یا خیر؟

جواب : اولاً، تنها ظرف حتمی و غیرقابل تغییر ظهور، پُرشدن
جهان از ستم نیست. بلکه ظهور، ظرف دیگری هم دارد که صلاح
گروهی از مردم و آمادگی بشر برای پذیرش حکومت عدل و جهانی
امام علیه السلام است.^۱

ثانیاً، دو واقعیتِ ستم و پُرشدن، از امور نسبی اند.
ثالثاً، سخن عقل و فطرت و نیز ندای تربیتی تمامی انبیا و اولیا
این است: حتی اگر تمام اقطار جهان را فساد و ستم فراگرفت، هرگز
نباید از تلاش در راه اصلاح فرد و جامعه دریغ کرد. تجربه نیز نشانگر
ثمرات تلاش‌های آن بزرگواران در همین موقعیت‌های حسّاس
است. چه بسیار انسان‌های پاک و والا را که علی‌رغم اکثریت فاسد و
جریان فراگیر فساد اجتماعی در همین موقعیت‌ها تربیت کرده و به
جامعه تحویل داده‌اند!

۱. رک. منتخب الأثر: ۴۹۶، ح ۸.

- رابعاً، مصلحان و مربیان بشریت چنین توصیه کرده‌اند:
- ۱- انسان‌های متقی در راه اثرگذاری در محیط تلاش و کوشش کنند؛ نه این‌که خود تحت تأثیر محیط و جامعه باشند.
 - ۲- امر به معروف و نهی از منکر را در اولویت قرار داده هیچ‌گاه آن‌ها را ترک نکنند.
 - ۳- هرگز از روح و تأییدات خداوندی ناامید نگردند که این یأس خود از گناهان کبیره محسوب می‌شود.^۱
 - ۴- در بیان وظایف چشم‌به‌راهان در ضمن احادیث چنین آمده است:

امام باقر علیه السلام درباره‌ی این آیه که می‌فرماید: ﴿ای مؤمنان! صبر پیشه کنید و یک‌دیگر را به آن توصیه کنید و ارتباط یابید.﴾^۲ فرمودند: «منظور این است که بر انجام واجبات شکیبا باشید؛ بر دشمنان خود صبر پیشه کنید و با امام چشم‌به‌راه خود مرتبط باشید.»^۳

نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

«آن کس که دوست دارد از یاران قائم ما باشد باید که چشم‌به‌راه باشد، به پارسایی و حُسنِ خُلق رفتار کند و...»^۴

نتیجه این‌که ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام دو ظرف دارد؛ ظرف انتخابی ما- که صلاح و تقوی است- و ظرف قهری ستم

۱. یوسف (۱۲): ۸۷: ﴿لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ﴾.

۲. آل عمران (۳): ۲۰۰. ۳. المحجّة: ۵۲.

۴. منتخب الأثر: ۴۹۷، ح ۹.

که نتیجه‌ی عدم کوشش و تلاش مردم و روند عادی روزگاران است. به حکم عقل و دستورات شرع، انسان‌های دوران غیبت مأمورند که ظرف اوّل را درباره‌ی خود و سپس دیگران ایجاد و آماده سازند. در این زمینه، نگاه کنید به:

- منتخب الأثر (عربی): ۴۹۳-۵۰۰.

- ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ۱۶۵-۶۱۳.

- معرفت امام عصر علیه السلام: ۲۱۹-۳۱۲.

- مهر محبوب: ۸۸-۱۱۴ و ۲۵۸-۲۶۸.

سؤال : با وجود این همه افراد متقی و متدینی که دست اندرکار امور خیر در سطح جهان اند، چرا حضرت مهدی علیه السلام ظهور نمی کنند؟

جواب : اولاً، وجود افراد صالح و خیر علت تامه‌ی ظهور نیست؛ هر چند زمینه فراهم کننده‌ی آن است. اصل ظهور به خواست و حکمت خداوند بستگی دارد. اراده‌ی خداوند علت تامه و فاعلی ظهور است که تعیین، تقدیر و امضا می کند. آمادگی روحی و معنوی مردمان زمینه‌ی آن است. آنان هرگاه آماده شوند و دعا کنند و خداوند اراده فرماید و حکمتش به ظهور تعلق گیرد، آن حضرت ظاهر می شود. این نیست که بگوییم: چون افراد صالح اند، چرا ظهور نمی شود؟ بلکه وظیفه‌ی ما، در صورت صلاح و تقوای مردم، دعا و استغاثه است. افراد صالح باید برای تعجیل در فرج و ظهور دعا کنند و چشم به راه بودن را نشان دهند.

از سوی دیگر، تردید در صغرای قضیه است که گفته می شود مردم با تقوا و صالح اند! کجا افراد متقی و صالح بسیارند؟ وجود آنان در چنین روزگاری (به تعبیر روایات) از گوگرد سرخ نیز کم تر است. دین نیز در دست افراد بشر، به سان گوگرد سرخ، کم یاب است و

نگهداری آن چون آتش در کف دست است. اگر خوب‌ها و خوبی‌های بیش‌تر تحلیل شود و با ملاک‌های قرآنی و روایی و اخلاق اهل بیت سنجش شود^۱ و به دقت، تفکرات، اعتقادات، اعمال و عمل‌کرد فردی و اجتماعی و نحوه‌ی برخورد با دین مطالعه شود، آنگاه معلوم می‌شود که افراد صالح چه قدر نادرند. داستانی را از پدر یکی از مراجع دینی می‌آورم. او گفته بود:

یکی از صلحای شهر به درگاه امام زمان علیه السلام بسیار استغاثه می‌کند و عرض می‌کند: آقا! با وجود این همه افراد صالح چرا ظهور نمی‌کنید؟ مدت‌ها گریه و زاری می‌کند. ایشان برای این فرد ظاهر می‌شوند. می‌فرمایند: برای این که امتحان کنی که چند نفر از مردمان حقیقتاً صالح‌اند، شب جمعه، چهل نفر از صالح‌ترین افراد را در منزل یکی از بهترین صلحان شهر گیرد آور؛ فلان قصاب را هم (که او نیز از متقی‌ترین و بهترین مردم بود) بخوان و سه رأس بزغاله آماده کن و قصاب و بزغاله‌ها را در پشت بام ببر.

آن مرد نیک شب جمعه‌ای را انتخاب می‌کند و از میان تمام صلحا، ۴۰ نفر را دعوت می‌کند و در حیاط منزل

۱. شرط خوب بودن خوبی، کاملاً وارسته بودن و از «خود» بیرون آمدن است. عمل حسود پذیرفته نیست؛ چون خود را بر دیگران ترجیح می‌دهد. از متکبر نیز عبادت پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا در کنار کبریای مطلق از خود دم زده است. به همین ترتیب، بخیل و سنگ‌دل و تندخو و ریاکار و... و بالاخره خودپسند. که کارهای خوبش به چشمش می‌آید. وزنه‌ای برای سنجش در ترازوی دقیق الهی ندارند. بنابراین، چند کار خوب و خیر سراغ می‌توان کرد که از همه‌ی این شائبه‌ها دور و تنها و تنها برای خدا. که ذات جامع همه‌ی خوبی‌هاست. انجام شود؟! (ویراستار)

اجتماع می‌کنند. این‌ها همه می‌نشینند و استغاثه می‌کنند. (ضمناً آن حضرت سپرده بودند که او به مردم نگوید بزغاله‌ها و قصاب در پشت بام‌اند.) یک مرتبه می‌بینند نوری بر فراز بام ظاهر شد. یقین می‌کنند که امام زمان علیه السلام تشریف آوردند. آن‌گاه نور به طرف پشت بام می‌رود. یکی از صلحا را- که بسیار مرد نیکی بوده است- صدا می‌زنند که: به پشت بام بیا.

او به پشت بام می‌رود. بعد از چند دقیقه، می‌بینند که از پشت بام خون جاری شد! یقین می‌کنند که امام زمان علیه السلام این شخص را سر بریده‌اند و این خون اوست. گروهی فرار می‌کنند. چند دقیقه‌ی دیگر صدا می‌کنند و می‌گویند: فلان شخص (یکی دیگر از صلحا) بیاید.

آن صالح هم به پشت بام می‌رود. چند لحظه‌ی دیگر می‌بینند که باز هم از ناودان خون جاری شد و یقین می‌کنند که نفر دوم هم به دست آن حضرت سر بریده شد. تمام آن‌ها می‌روند و سه نفر بیشتر نمی‌مانند. نفر سوم را صدا می‌کنند. در این هنگام، فقط همان نفر می‌ماند و بقیه هم می‌روند. او هم- که یکی از افراد بسیار صالح بود- بالا می‌رود. سپس خون از ناودان جاری می‌شود.

بعد امام علیه السلام به آن فرد استغاثه کننده و بی‌تاب می‌فرماید: «مردم این‌گونه‌اند. با این‌که یقین کردند که ما تجلی کردیم- به خاطر این‌که گمان کردند (نه یقین) که آنان سر بریده شدند- همه‌ی آن‌ها پا به فرار گذاشته و رفتند؛ حال آن‌که این خون بزغاله‌هایی بود که قصاب سر می‌برید!»

مردم باید امتحان گردند و از امتحان درآیند. غیر از این

داستان، داستان‌های زیاد دیگری در تاریخ هست که اتفاق افتاده و نشان داده که مردم هنوز آماده‌ی ظهور نیستند. با زبان، ظهور را می‌خواهند؛ لیکن در دل رنگ دیگری دارند. هنگامی که امتحان پیش می‌آید، حقایق آشکار می‌گردد:

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا: آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟! وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾^۱

یکی از سنت‌های لایتنغیر خداوند، امتحان است. امتحان که پیش بیاید، بسیاری از مردم مردود می‌شوند و بسیاری هم تجدید. قبول شده در مرحله‌ی اوّل بسیار اندک است. آنچه بر ماست این است که: به سوی صلاح حقیقی (نه ادّعایی و ریایی) رو آوریم و در همان حال از دعا و استغاثه نگاهیم. اندیشه و دلمان، ظهور امام عصر علیه السلام و پیروی از حضرت او باشد تا مگر خداوند مّنان به دعای سوخته‌ای ترحم کند و جهانیان را از سرگردانی و حیرت نجات بخشد. آری، وظیفه‌ی ما دعا و استغاثه و صلاح و اصلاح است.

در این باره، مراجعه کنید به:

- مکیال المکارم ۲: ۲۵۵ - ۲۶۲.

- روزگار رهایی ۱: ۳۴۹.

- پیوند معنوی.

- معرفت امام عصر علیه السلام: ۲۸۸.

- مهر محبوب: ۲۵۸ - ۲۶۱.

۱. عنکبوت (۲۹): ۳ و ۴.



سؤال : امروزه بسیاری مردم می‌گویند: درصد بسیاری از علایم ظهور امام زمان ارواحنا فداه تحقق یافته است. آیا چنین است؟ اساساً علایم ظهور در حتمیت آن چه اندازه اثر دارد؟

جواب : پاسخ دقیق متکی بر روایات مقدمه‌ای را از احادیث در باب‌های گوناگون می‌طلبد که در این جا می‌آوریم:
گروه اول: روایاتی که در علایم و مقدمات ظهور مطالبی دارند؛ از جمله‌ی آن‌ها حدیث زیر است:
روزی پیامبر خدا ﷺ به حاضران فرمودند:

«هنگامی که زنانان فاسق و جوانانان فاجر شوند و به معروف امر و از منکر نهی نکنید، چگونه خواهید بود؟»
گفتند:

ای رسول خدا! چنین چیزی تحقق می‌یابد؟!!

فرمود:

«آری و بدتر از این! هنگامی که معروف را منکر شناسید و منکر را معروف، چگونه خواهید بود؟...»^۱

۱. منتخب الأثر: ۴۲۶، ح ۳.

نیز اَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آورده است:

«در آخر الزمان و نزدیکی ساعت (قیامت یا ظهور) -
که بدترین روزگاران است - زنانی عاری از لباس و آراسته به
انواع زیور بیرون می آیند؛ خارج شدگان از دین، وارد شدگان
در فتنه ها، متمایلان به شهوت رانی، شتاب کنندگان به
لذات، حلال کننده های حرام ها و جهتمی های جاویدان.»^۱

نیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که همت آنان
سیرکردن شکم هایشان است و شرافت آن ها زندگی مادی؛
قبله ی آن ها زنانشان است و دینشان پول و دارایی شان. آنان
بدترین مردم اند و نزد خدا بهره ای از خیر ندارند.»^۲

گروه دوم: احادیثی که به شدت از تعیین وقت ظهور امتناع
فرموده زمان ظهور را به هنگام برپایی قیامت همانند می داند.
کمیت گوید:

بر امام باقر علیه السلام وارد شدم... پرسیدم: قائم آل
محمد صلی الله علیه و آله و سلم چه وقت خروج می کند؟ فرمود: «همین پرسش
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شد. فرمود: خروج او همانند زمان
برپایی قیامت است که شما را فرا نمی رسد مگر ناگهانی.»^۳
هم چنین فضیل گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: وقت ظهور مشخص است؟

۱. همان، ح ۴.

۲. همان: ۴۳۸، ح ۲۱.

۳. همان: ۱۲۴، ح ۳۴.

فرمود: «تعیین کنندگان وقت دروغ گویند؛ تعیین کنندگان وقت دروغ گویند؛ تعیین کنندگان وقت دروغ گویند؛ تعیین کنندگان وقت دروغ گویند!»^۱

نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقت گذاران دروغ می گویند؛ ما نه در گذشته برای ظهور وقت تعیین کرده ایم و نه در آینده می کنیم.»^۲

گروه سوم: احادیثی که بر دعا برای تعجیل فرج و استغاثه به درگاه خداوند تأکید می کنند. اگر دعا اثر نداشت، امامان معصوم علیهم السلام آن همه تأکید نمی کردند؛ چه تنها برای کاری که تعجیل و تأخیر پذیر باشد دعا اثر دارد. از آن جمله: خود امام زمان علیه السلام در توقیع شیخ احمد بن اسحاق می فرماید:

«باب پرسش های بی فایده را ببندید و خود را به رنج نیندازید و به اندازه ی آن چه شما را کافی است، بسنده کنید. هم چنین برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که گشایش کار شما در همین (دعای بسیار) است.»^۳

نیز حضرت امام کاظم علیه السلام چنین دعا می کند:

«خداوند! تو را به نام پنهانت سوگند... که بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج انتقام گیرنده شتاب کن و وعده ی او را تحقق بخش...»^۴

گروه چهارم: در احادیثی تأکید شده است که کار ظهور و

۱. همان: ۴۶۳، ح ۱. ۲. همان، ح ۲.

۳. احتجاج طبرسی ۲: ۴۷۱.

۴. منتخب الأثر: ۵۰۸، ح ۶.

خروج او در یک شب اصلاح می‌شود و خداوند به او اذن می‌دهد.
ضریس کِنانی گوید:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «در صاحب الامر
شباهتی به یوسف علیه السلام هست و آن این که خداوند عزوجل
کار خروج او را در یک شب اصلاح می‌کند.»^۱

گروه پنجم: احادیثی است که در آن سخن از بداء (= تغییر
طرح قبلی و از نو آغاز کردن) به میان آمده است. این تغییر تقدیر
آن چنان است که به فرموده‌ی امام باقر علیه السلام:

«خداوند به پایه‌ای مانند (ایمان به) بداء عبادت
نشده است و یا خداوند تعظیم نشده به مانند بداء.»^۲

بر همین اساس امر ظهور و خروج امام عصر علیه السلام در روایات در
شمار امور بداپذیر قلم‌داد شده است.

از مطالعه‌ی پنج گروه احادیث می‌توان چنین استفاده کرد که:
چه بسا تمامی علایم ظهور هم بداء‌بردار باشد؛ به طوری که خداوند،
بنا به حکمت بالغه‌ی خود، بدون آن‌ها ظهور حضرتش را اذن دهد.
باید بدانیم که کار ظهور به دست خداست و به تحقق قطعی آن علایم
منوط نیست. این امر در یک شب به حکمت خداوندی اصلاح
می‌شود. باری، در این دوران وظیفه‌ی ما ایجاد صلاح اعتقادی و
اخلاقی در فرد و جامعه و پیشاپیش آن‌ها، دعای بسیار بر فرج و
کشایش است. **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ.**

۱. همان: ۳۰۰، ح ۲.

۲. اصول کافی ۱: ۱۴۶، ح ۱.

در زمینه‌ی بداء، مراجعه کنید به:

- اصول کافی ۱: ۱۴۶، ح ۱-۱۶.

- بحار الأنوار ۵۲: ۱۰۱-۱۲۱، ح ۱-۵۰.

در زمینه‌ی علایم ظهور، مراجعه کنید به:

- روزگار رهایی ۲: بخش ۱۶-۱۹.

- منتخب الأثر: ۴۲۴-۴۳۸.

- نوائب الدهور (عربی).

- نشانه‌های ظهور.

در زمینه‌ی دعا، مراجعه کنید به:

- منتخب الأثر: ۶۳۵-۶۴۵.

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۴۰۹-۴۷۲ (فصل ۱۶).

- پیوند معنوی.

- امامت و مهدویت ۲: بخش معرفت حجّت خدا.

- معرفت امام عصر علیه السلام: ۲۸۴.

در زمینه‌ی جایز نبودن تعیین وقت ظهور، مراجعه کنید به:

- غیبت شیخ طوسی: ۲۶۲.

- اصول کافی ۱: ۳۶۸.

- منتخب الأثر: ۴۶۳، ح ۱-۳.

سؤال : بنا به برخی روایات، در دوران امام عصر علیه السلام سخن از شرع و حکم جدید به میان آمده است. آیا این بدان معناست که آیینی جز آیین پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می آورند؟

جواب : بسیاری از تعالیم و احکام دین با تأویل و تفسیرهای غلط و ازگونه شده است. عامل این تغییرات و تحریفات، غرض ورزی ها و دنیا طلبی و سودپرستی بسیاری از انسان ها و حکومت هایی است که در طی تاریخ گذشته ی اسلام با خودرأیی خویش راهی را برای استقرار حاکمیت خود باز کرده و مسیر بازی با حقایق دینی و آیین آسمانی را گشوده اند. غیبت حجت زمان و مفسر حقیقی قرآن نیز فرصتی مناسب در استقرار این خلاف کاری و مفسده جویی شده است. تحریف بسیاری از این حقایق از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آغاز گشت و تا دوران ظهور نیز ادامه خواهد داشت. یکی از اقدامات بسیار مهم حضرت ولی عصر علیه السلام، مقابله با انحراف ها و تفسیرها و برداشت های نادرستی است که در طول قرن ها، ذهنیت جامعه ی انسانی را اشغال کرده است.

بنابراین، آیین او متفاوت با آنچه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده اند،

نیست؛ بلکه بازگشت به همان اسلام خالص و راستین اولیّه و همان کتاب آسمانی و جاودانی است.

از این رو، با آن چه مردم در درازای تاریخ بدان عمل می کرده اند، در بسیاری از موارد اختلاف خواهد داشت؛ زیرا در دوران غیبت کبری چه بسا مردم به اسلام واقعی عمل نکرده اند و برخی نیز اسلام و قرآن را نادرست تفسیر و تأویل می کنند و در نتیجه اسلام را واژگونه نشان داده اند؛ به گونه ای که هنگام ظهور، این تصوّر می شود که آن بزرگوار مسأله و حکم جدید آورده اند.

در روایات بسیار آمده است که آن حضرت، اسلام را از نو آغاز می کنند: «یَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً...»^۱. هم چنین در قرآن کریم آمده است:

﴿و تمامی اهل آسمان ها و زمین، خواسته یا ناخواسته، تسلیم خداوند می شوند.﴾^۲

از این آیه عمومیّت گسترش اسلام و توحید استفاده می شود و این که اسلام پیامبر ﷺ و احکام قرآن تحقق می یابد. بسیاری علوم و دانش ها نیز به واقعیّت می پیوندند و آن حضرت تأویل، تفسیر و شأن نزول حقیقی آیات کریمه ی قرآن و احکام واقعی دین را بیان و بدان عمل می کنند.

امیر مؤمنان علیؑ - آن گاه که از ظهور فرزندش مهدی سخن

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۳۵۳ و ۳۵۴.

۲. آل عمران (۳): ۸۳.

می گوید- به اصلاحات آن حضرت چنین اشاره می فرماید:

«يُعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ
عَلَى الْهَوَىٰ وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ
عَلَى الرَّأْيِ.»

«او هواپرستی را به خداپرستی باز می گرداند؛ پس از آن که خداپرستی را به هواپرستی بازگردانده باشند. رأی ها و برداشت ها را به قرآن بازگشت می دهد؛ پس از آن که قرآن را به رأی و برداشت خود بازگردانده باشند.»^۱

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«... إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ
كِتَابَ اللَّهِ وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ...»

«... چون قائم ما به پا خیزد، همه ی مردم از کتاب خدا برای او دلیل می آورند و کتاب خدا (قرآن) را تاویل و توجیه می کنند...»^۲

برداشت ها و توجیه و تاویل های نادرست از قرآن از مشکلات دوران ظهور است که حضرت بقیة الله علیه السلام با آن روبه رو می گردد. این تحریف ها و خودرأیی ها به حدی تا زمان ظهور چهره ی کتاب و سنت الاهی را دگرگون می کند که امیر مؤمنان علیه السلام، در ادامه ی خطبه ی یادشده، از آن به مردن کتاب و سنت تعبیر می فرماید:

۱. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۲۸.

۲. غیبت نعمانی: ۲۹۷.

«... وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ...»

«... او (مهدی علیه السلام در دوران ظهور) کتاب و سنت

مرده را زنده می گرداند...»

بنابراین، امام زمان علیه السلام در دوران ظهور، پیرایه‌هایی که بر دین و احکام الاهی بسته و تحریف‌ها و تفسیرهایی که بر قرآن افزوده‌اند از دامن دین و قرآن و احکام و اعتقادات می‌زداید و توحید و عدل قرآنی را بر جامعه‌ی بشری استقرار می‌بخشد و جهان را زیر یک پرچم و یک اعتقاد و یک کتاب آسمانی (قرآن) و یک مرام گرد می‌آورد و از جامعه‌ی بشری امتی واحد می‌سازد.

تفصیل مطالب در این مقوله را در کتب زیر می‌بینیم:

- بحار الأنوار ۱: ۲۴۷، ح ۵۹؛ ج ۵۲: ۳۶۷، ح ۱۵۰؛ ج ۵۲:

۳۵۳؛ ج ۸: ۱۲.

- منتخب الأثر (عربی): ۲۹۲ و ۲۹۷.

- روزگار رهایی ۲: ۵۹۱.

- خورشید مغرب، فصل ۱۴: ۳۳۵.

- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن: ۹۵، ۱۰۵، ۲۵۴.

- امامت و مهدویت، ج ۳، به سوی دولت کریمه.

- عصر زندگی، بخش‌های پنجم و شانزدهم و بیستم.

- تاریخ مابعدالظهور (عربی): ۶۳۷-۶۵۵.

سؤال : آیا مقصود از عدل در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه- و این که در احادیث وارد شده است که امام زمان علیه السلام زمین را پُر از عدل می کند- تنها عدل اجتماعی است یا عدل فردی؟

جواب : معنی عدل این است که هر چیز در جایگاه حقیقی خود قرار گیرد و تسویه و اعتدال داشته باشد. عدل اجتماعی حرکت جامعه است به سوی هدف صحیح و درست و ظلم نقیض آن است. بنابراین، عدل همانند ظلم تنها عدالت و دادگری حکومتی و اجتماعی نیست بلکه معنایی گسترده دارد. از آن جهت، اولاً، یکی از صفات برجسته‌ی الهی است که امام علیه السلام فرمود:

«اساس دین، توحید و عدل است.»^۱

ثانیاً، از فضایل فردی انسان است. انسان عادل یعنی کسی که مرتکب گناه بزرگ نمی‌گردد و به گناه کوچک اصرار نمی‌ورزد.

ثالثاً، گاهی هم طراز حق به کار رفته است و به گفتار درست و حق، قول عدل گفته‌اند.

۱. توحید صدوق: ۹۶.

نتیجه این می‌شود که عدل به معنای معتدل بودن و دست‌نیالودن به آلودگی و گناه است و عدالت اجتماعی تنها یکی از مصادیق بارز آن به‌شمار می‌رود. در این صورت، در پاسخ سؤال بالا می‌توان گفت: در دوران امام عصر علیه السلام برنامه‌های حکومت در راستای تربیتی، انسان‌ها را به عدالت فردی (با همان گستردگی مفهوم که در بالا بدان اشاره رفت) سوق می‌دهد و در راستای اجتماعی، نظام عادلانه‌ای بنا نهاده می‌شود که مصداق روشن آن را در جمله‌ی معروف «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا» می‌یابیم.

در این باره، مراجعه کنید به:

- خورشید مغرب: ۲۹ - ۳۵.

- امامت و مهدویت، ج ۳، به‌سوی دولت کریمه.

- عصر زندگی، بخش‌های ۱ و ۷ و ۸ و ۱۳ و ۱۷.

- کمال هستی در عصر ظهور.

- آینده‌ی جهان.

سؤال : اظهار دین و سنت پیامبر ﷺ و نیز قطع دنباله‌ی ستمگران و وظیفه‌ی تمام مسلمانان است. چگونه در دعای ندبه می‌گوییم: خداوندا! به وسیله‌ی او دین خود را ابراز و سنت پیامبرت را روشن کن و نیز می‌گوییم: کجاست آن آماده‌ی قطع دنباله‌ی ستمگران؟

جواب : وظایفی که تمامی مسلمین دارند، امام زمان علیه السلام نیز در رتبه‌ی اعلیٰ عهده‌دارند و کامل‌ترین آن‌ها را انجام می‌دهند و خود به آن چه دعوت می‌کنند عامل‌اند. در اسلام عمل کسی به جای دیگری قبول نیست؛ بلکه هر مسلمانی وظایفی مستقل و جداگانه برای خود دارد؛ به اضافه‌ی وظایف اختصاصی‌ای که پیامبر و امامان سلام‌الله علیهم‌أجمعین دارند.

سطح و کار هر کسی به مسؤولیت، توان و وظیفه‌ی او بستگی دارد. وظیفه‌ی اختصاصی امام زمان علیه السلام این است که احکام اسلام را در گستره‌ی زمین پیاده کند و ریشه‌ی ستم و ستمگران را از روی زمین بردارد و پرچم اسلام و توحید را در سراسر اقطار زمین به اهتزاز درآورد. بنابراین، تمامی مسلمانان این وظیفه را دارند؛ لیکن رهبر جهانی آنان در این امر شخص امام عصر ارواحنا فداه است که آنان

را رهبری می‌کند. از این رو، وظیفه‌ی عمومی مسلمین با وظیفه‌ی جهانی امام زمان علیه السلام به عنوان امام، رهبر و فرمانده منافاتی ندارد. سایر صفاتی که در دعای شریف ندبه به آن بزرگوار نسبت می‌دهیم نیز چنین است؛ مثلاً:

«کجاست آن که مردمان چشم به راه اویند تا کثری‌ها

را راست کند؟...»

«کجاست آن امید زایل‌کننده‌ی ستم و دشمنی؟»

«کجاست آن ذخیره‌شده برای تجدید احکام و

سنت‌ها؟»

در تمامی این عبارات، امام حجة بن الحسن علیه السلام عنوان رهبری و هدایت دارند. این گونه سخن گفتن در تمام فرهنگ‌ها وجود دارد که کار فرمان‌بران را نیز به فرمان‌دهان نسبت می‌دهند؛ چرا که اصل طرح و نقشه و مدیریت در اجرا و هم‌سو کردن نیروها را او به عهده دارد. درباره‌ی پایان یافتن دوره‌ی ستم‌کاران به دست حضرت حجة بن الحسن علیه السلام، به کتب ذیل مراجعه فرمایید:

- روزگار‌رهایی، جلد ۲، بخش دولت حق.

- در فجر ساحل، بخش‌های ۲ و ۳.

- خورشید مغرب، فصل ۱۴.

- امامت و مهدویت، ج ۳، به سوی دولت کریمه.

- کمال هستی در عصر ظهور، بخش ۱۴.

سؤال : آیا آن حضرت با اهل کتاب به کتاب خودشان حکم می‌کنند؟

جواب : امام علیه السلام ایشان را بر پایه‌ی کتاب خودشان دعوت و بر اساس آن حکم می‌کنند تا به آن حضرت ایمان آورده مسلمان شوند. البته استدلال ایشان به کتاب‌های اهل ادیان است؛ لیکن به کتب تحریف‌نشده استدلال می‌فرمایند. در حدیث آمده است که: ایشان تورات و انجیل و کتب گذشتگان را از غار انطاکیه استخراج و بدان‌ها احتجاج می‌فرمایند.^۱

البته حکومت، حکومت اسلام است. نظارت بر حکومت با قوانین اسلامی است. همه چیز با اسلام است و آن بزرگوار با مردم به مجادله‌ی احسن رفتار می‌کنند. در کتب تحریف‌نشده، بشارات به ظهور آن حضرت روشن‌تر آمده است؛ اگرچه در کتب تحریف‌شده نیز اشارات و بشاراتی وجود دارد که در پاسخ دیگری آورده‌ایم.

فقه زمان امام عصر علیه السلام، فقه خالص اسلام و اهل بیت است. اداره‌ها بر اساس عدل است. در تمامی دوایر دولت حضرت

۱. بحار الأنوار ۵۲ : ۳۵۱.

مهدی علیه السلام به عدل رفتار می‌شود. جریان امور بر اساس قرآن است. باری، عدل اجتماعی در تمامی زوایای جوامع و در سطح زمین حاکم خواهد بود.

در مورد خصوصیات حکومت آن حضرت، نگاه کنید به:

- روزگار‌رهایی ۲: ۵۹۱-۶۷۶ (بخش چهاردهم).

- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن: ۱۵۰، ۱۷۱، ۱۹۱،

۲۳۱، ۲۴۲، ۲۵۴، ۲۷۵، ۲۸۳، ۴۲۵، ۴۲۳.

- در فجر ساحل: بخش ۲.

- منتخب‌الأثر: ۳۰۸-۳۱۲.

- عصر زندگی.

- کمال هستی در عصر ظهور.

سؤال : امام زمان علیه السلام پس از ظهور، از تکنولوژی جدید استفاده خواهد کرد یا نه؟ دیگر این که آیا تکنولوژی در آن عصر پیشرفت خود را ادامه خواهد داد یا این که تکامل تکنولوژی متوقف خواهد شد؟

جواب : آیه یا روایتی نیست که بگوید: آن حضرت، ابزار جدید و تکنولوژی صنعتی پیشرفته را کنار می گذارند و یا هنگامی که تشریف می آورند، صنایعی که در اختیار بشر است از کار می افتند. روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هم این نبود که به دلیل استفاده از صنایع موجود در کنار خود استناد ندهند و کنار بگذارند. ایشان هم به سنت پدرانشان عمل خواهند فرمود.

احادیثی در توان و قدرت آن حضرت و یارانشان می بینیم که بر پایه ی آنها می توان گفت: آنان به جز از قدرت های غیبی، از امکانات روز نیز بهره می برند و لیکن به طور حتم نمی توان در این مورد حکم کرد. از باب نمونه، در احادیث هست که^۱:

«ایشان - در هر نقطه ی زمین باشند - با هریک از

۱. منتخب الأثر: ۴۸۳، ح ۲ و ۳.

کارگزاران و اعضای حکومتشان- که ۳۱۳ تن اند- تماس می‌گیرند. آن‌ها را می‌بینند و با آن‌ها گفتگو می‌کنند.»

از این احادیث احتمال می‌رود که یاران آن حضرت از صنایع جدید و پیش‌رفته استفاده کنند. روایات دیگر می‌گویند:

«هنگامی که آن حضرت قیام کرد، به خانه‌ی کعبه تکیه می‌زند و می‌گوید:

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ؛ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ وَ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ.

و این صدای ایشان را تمامی جهانیان می‌شنوند.»^۱

از این حدیث هم می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند و صدای خود را به تمامی جهان و جهانیان می‌رسانند. البته در تمامی کارهای آن حضرت، احتمال استفاده از قدرت‌های غیبی نیز وجود دارد.

درباره‌ی پرسش از این‌که در زمان ظهور باز پیش‌رفت خواهد بود یا خیر؟ در روایت گفته‌اند که در زمان ایشان علم و دانش از هر جهت پیش‌رفت خواهد کرد؛ اما این‌که حتماً در این سو و به‌سوی تکنولوژی برتر خواهد رفت یا در جهت دیگر پیش‌رفت خواهد داشت، آن را به دقت نمی‌دانیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«علم بیست و هفت بخش است. تمام انبیای سلف و

۱. همان: ۴۶۷، ح ۴.

ائمه دو حرف (دو بخش) علم را آورده‌اند و مهدی ما- وقتی می‌آید- بیست و پنج حرف دیگر را می‌آورد.^۱

در مضمون روایت دقت کنید. چنین نیست که مهدی علیه السلام بیست و پنج باب علم را می‌داند و دیگر انبیا و امامان نمی‌دانند بلکه می‌فرماید: «تمامی علومی که انبیا آورده‌اند، دو حرف از بیست و هفت حرف است و مهدی علیه السلام بیست و پنج باب را می‌آورد.»
مطالبی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم اظهار کرد و امیرالمؤمنین علیه السلام و ... تا امام حسن عسکری علیه السلام و آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و تمام انبیای گذشته، دو باب از بیست و هفت باب بود. ایشان بیست و پنج باب دیگر علم را می‌آورند. اگر نسبت را در نظر بگیرید، این نشان می‌دهد که در همه ابواب علم چیزی که او می‌آورد، فوق‌العاده است.

این حدیث شریف را در کنار حدیث دیگری می‌بینیم؛ از حضرت امام محمدباقر علیه السلام نقل شده است که می‌فرمایند:

«وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ.»^۲

«هنگامی که قائم ما می‌آید، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل ایشان کامل می‌شود و اخلاقشان تکامل می‌یابد.»

۱. منتهی الآمال ۲: ۷۶۹ (نکته‌ی ۳۶ از خصائص آن حضرت).

۲. منتخب الأثر: ۴۸۳، ح ۱.

نیز فرموده‌اند:

«هنگامی که آن حضرت ظهور می‌کند، زمین
برکاتش را بیرون می‌ریزد.»^۱

برکات زمین چیست؟ خزانه‌ها، سنگ‌های قیمتی،
رویدنی‌های مفید و مورد نیاز در همه‌ی زمینه‌ها؛ ضمن این‌که بروز
برکات معنوی را هم نمی‌توان از نظر دور داشت. در احادیث آمده
است که:

«در دوران ظهور، زمینی نیست مگر آن‌که آباد
شود.»^۲

نتیجه این‌که روایات گوناگون، وجود پیش‌رفت فوق‌العاده و
گسترش بی‌سابقه‌ی دانش را در دوران او نشان می‌دهد؛ اما معلوم
نیست که حتماً در جهت تکنولوژی و سَمْت و سوی آن- آن‌هم به
مفهوم امروزمین- باشد.

آن‌چه در این باب گفته شد بر سبیل احتمال است. درباره‌ی
علوم و دانش‌ها و پیشرفت آن در دوران حضرت مهدی علیه السلام، به کتب
زیر مراجعه شود:

- روزگار‌رهایی: ۶۲۰ و ۶۲۲ و ۶۶۴.

- منتهی الآمال ۲: ۷۶۹.

- کمال هستی در عصر ظهور: بخش ۱۱.

۱. منتخب الأثر: ۴۷۲، ج ۱ و ۴.

۲. همان: ۴۷۳، ج ۱.

سؤال : وضع اقتصادی در حکومت امام علیه السلام چگونه است و اقتصاد در حکومت آن حضرت بر چه پایه اداره می شود؟

جواب : کلیاتی از وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم در عصر امام زمان علیه السلام در روایات بیان شده است. باید دانست قالب اقتصاد حکومت او از قالب های معروف امروزی نیست. اسلام همیشه در تمامی احکام و قوانین خود مستقل است و بر هیچ نوع سیستم اندیشه ی بشری، جز فطرت سلیم، تکیه ندارد و امام عصر روحی فداه - که تمام اسلام و قرآن است - همان اسلام حقیقی را تحقق کامل می بخشد.

آیات و روایات مطالبی به ما می آموزند که با مقدمه ای آن را مطرح می کنیم. در سیستم و نظام اسلامی سه رکن وجود دارد: عقاید، اخلاق و فقه. این سه حلقه از یک دیگر جدا نیستند. نظام اقتصادی اسلام از نظام سیاست و نظام سیاست از نظام اخلاق و نظام اخلاق از نظام اعتقادات جدا نیست. این مسأله بسیار مهم است. اشتباه است اگر نظام اقتصادی اسلام را به عنوان یک حلقه ی ناپیوسته به حلقه های دیگر تلقی کنیم. بلکه سیستم را باید به گونه ی جمعی بررسی کنیم.

حکومت امام زمان علیه السلام براساس مضمون آیه‌ی: ﴿يَعْبُدُونِي وَ لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱ پی‌ریزی شده و پایه و رکن اصلی آن یگانه‌شناسی و یگانه‌پرستی است. بنابراین، نظام اقتصادی به‌عنوان یک نظام مستقل، چه در اسلام و چه در حکومت امام زمان علیه السلام، قابل طرح نیست؛ بلکه حلقه‌ای است از یک مجموعه‌ی به‌هم پیوسته.

اینک با توجه به این مقدمه و نکته‌ی پس از آن، می‌گوییم: ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام مسائلی را در نظام اقتصادی حکومت آن حضرت ارائه داده‌اند؛ مانند این که در زمان ظهور جایی از زمین باقی نمی‌ماند؛ مگر این که برکات خود را ظاهر کند و کسی به جایی پا نمی‌گذارد؛ مگر بر آبادانی و عمران^۲ و دیگر این که آن حضرت اموال را بالسویه تقسیم می‌کند.^۳ مفهوم بالسویه اعتدال و عدالت و تقسیم بر پایه‌ی نیازمندی است.

عدل به مفهوم تساوی ریاضی نیست؛ بلکه عدل و اعتدال رعایت تناسب در جامعه است. کسی که مجرد زندگی می‌کند با آن که ده نفر تحت تکفل دارد برابر نیست. این نوع تساوی نه معقول است و نه عادلانه. به‌علاوه، در روایات گفته شده است که: وضع اقتصادی و همّت بلند و بی‌نیازی مردم به گونه‌ای خواهد بود که آن حضرت به نیازمندان می‌گویند: پول بردارید! مردم نیز با صداقت و براساس نیاز هر چه می‌خواهند برمی‌دارند. در حکومت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام

۱. نور (۲۴): ۵۵: ﴿مرا بندگی می‌کنند و شرک نمی‌ورزند﴾.

۲. منتخب‌الأثر: ۴۷۳، ح ۳. ۳. همان: ۱۴۷، ح ۱۴.

در بهره‌وری از نعمت‌های الهی که حکومت‌ها مانع آن بوده‌اند به انسان‌ها آزادی اعطا می‌گردد.

یک دسته روایات دیگر هم وارد است؛ مانند این‌که: زنی طبق طلا را بر سرش می‌گذارد و از عراق تا شام مسافرت می‌کند و گام‌های خود را جز بر گیاهان نمی‌گذارد و بر سر او زیور است؛ بی این‌که کسی متعرض او شود!^۱

این حدیث - با آن‌که از امنیت روزگار حکومت او حکایت می‌کند - از بی‌نیازی مردم در آن زمان نیز سخن می‌گوید و همین بی‌نیازی است که کسی به زیور و طلای زنی تنها نظر نمی‌اندازد و امنیت اقتصادی و مالی برقرار می‌شود.

و فور نعمت از یک سو و اجرای عدالت اجتماعی از سوی دیگر چنان فقر را از میان برمی‌دارد که مطابق دسته‌ای دیگر از روایات، نیازمند و محتاجی در زمان حضرت مهدی علیه السلام پیدا نمی‌شود تا مردم به او زکات بدهند.^۲

در این زمینه، مراجعه کنید به کتاب‌های:

- امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور: ۶۲۶ - ۶۳۰.

- عصر زندگی: ۱۰۷ - ۱۳۱.

- در انتظار امام، فصل حکومت جهانی.

- رهایی بخش: ۱۱ - ۱۴ و ۳۹ - ۴۷.

- در فجر ساحل: ۳۷ - ۴۷.

۱. همان: ۴۷۳، ح ۳.

۲. بحار الأنوار ۵۱: ۱۴۶، ح ۱۷.



سؤال : آیا امام زمان علیه السلام به صدقات ما احتیاج دارند که برای سلامتی ایشان صدقه می‌دهیم یا نماز و اعمال مستحبی دیگر را به آن حضرت تقدیم می‌کنیم یا از طرف ایشان نیابت می‌کنیم؟ اصولاً این کارها برای امام علیه السلام چه اثری دارد؟

جواب : مسأله‌ی تقدیم ثواب اعمال غیر واجب به امام عصر روحی فداه یا نیابت از حضرتش در اعمال مستحبی یا تقدیم ثواب اعمال مستحبی به آن بزرگوار و یا به امامان دیگر و پیغمبر صلی الله علیه و آله و خدمات مالی چون صدقه دادن، قربانی کردن و یا اطعام فقرا برای خشنودی آن حضرت یا نذر برای امام حسین علیه السلام و حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام همگی از یک مقوله و یک باب است. در این مسأله باید به چند نکته‌ی اساسی توجه داشت:

اولین نکته این است که: ما در انجام عمل و تقدیم ثواب آن به امام معصوم، دستور احادیث و روایات را انجام می‌دهیم. در احادیث ما بسیار وارد است که از امامان علیهم السلام می‌پرسند: به نیابت از امامان گذشته کاری انجام می‌دهیم و امامان آن را تأیید می‌کنند. از باب نمونه به این روایت توجه کنید:

شخصی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: روز عید فطر که فرامی‌رسد یک ختم قرآن [از حدود ۴۰ ختم که در ماه مبارک خواندم] برای رسول الله صلی الله علیه و آله و یک ختم قرآن برای حضرت فاطمه علیها السلام و یک ختم قرآن برای امامان انجام می‌دهم تا در پایان یک ختم برای شخص شما انجام می‌دهم. آیا این کار برای من ثوابی دارد؟ فرمود: «ثواب آن این است که در روز قیامت با آنان خواهی بود.» گفتم: الله اکبر! چنین ثوابی برای من است؟ سه بار فرمود: «بلی.»^۱

در این زمینه، کتاب بسیار مفید «پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی»، تکلیف ۴۱ و ۴۲ را مطالعه کنید. احادیث دیگری در موضوع زیارت و نماز زیارت برای هدیه به امامان وارد شده است. به بحار الأنوار ۹۱: ۲۱۵ و ۱۰۰: ۲۸۸ و ۱۰۱: ۳۵۴ و... مراجعه فرمایید. دومین نکته این‌که: در عالم ماده و فیزیک هیچ حرکت و عملی بدون بازتاب و اثر نیست و کوچک‌ترین عمل فیزیکی مانند برخورد دو جسم خرد با هم دارای اثر است. چگونه می‌شود حرکات روحانی و معنوی - که در نشأه‌ی روحانیت است و تأثیر و تأثر در آن عالم با دنیای فیزیک قابل ملاحظه نیست - بدون اثر باشد؟ ولو این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام به آن هدایای معنوی نیازمند نیستند، خداوند ذوالفضل العظیم هیچ عملی را بدون اثر نمی‌گذارد؛ به ویژه اگر برای اولیای او باشد.

نکته‌ی سوم این‌که: در باب روابط عاطفی، هدیه از بهترین

۱. بحار الأنوار ۹۸: ۵.

ابزار جذب مَحَبَّت است. شخصیت‌ها - هر اندازه که بزرگ و ستودنی باشند - از هدیه، چه مادی و چه معنوی، خشنود می‌گردند. امام زمان روحی فدا - که محور و قطب عالم امکان است و از نظر مادی و معنوی نیازی به دیگران ندارد - از هدیه‌ی یک شاخه گل یا یک سوره قرآن و... خشنود می‌شود و طبیعی است که در پی جبران و پاسخ به مَحَبَّت‌کننده برمی‌آید و هدیه‌کننده را به مَحَبَّت دوباره افتخار می‌دهد.

نکته‌ی چهارم این‌که: برای ترقی و تکامل پیامبر و امامان علیهم‌السلام - هر اندازه هم که مقام والا داشته باشند که دارند - باز هم جایی وجود دارد. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا آخر عمر بندگی و عبادت می‌کرد. آن حضرت اشرف مخلوقات بود؛ لیکن عبادت‌ها او را تکامل می‌بخشد.

مسأله‌ی جالبی که درباره‌ی امام زمان علیه‌السلام گفته می‌شود این است که غیبت طولانی او و عبادت‌هایی که انجام می‌دهد، نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد، حج می‌رود، عمره انجام می‌دهد، به زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌رود، صدقه می‌دهد و... این اعمال و عبادات در روح او اثرات بسیار دارد و او را از نظر معنوی تکامل می‌دهد. همین سیر و تکامل دائمی، روح و توان او را چنان فزونی می‌بخشد که برای انجام مأموریت سنگین جهانی الاهی - که بی‌سابقه است و تنها وظیفه‌ی اوست - آماده می‌کند و به او توان معنوی می‌بخشد که به آسانی مسؤلیت استثنایی و سنگین الاهی - جهانی خود را در گستره‌ی جهان تحقق می‌دهد و یک تنه به اندازه‌ی تمامی یاران خود و حتی بیشتر انجام وظیفه می‌کند.

لذا هدیه‌ی ثواب اعمال به او و نیابت در اعمال از سوی او در جنبه‌ی عبودیت و تکامل و نیروی بندگی او را تأیید و تسدید می‌کند و او را در مقابله با مشکلات عظیم تشکیل حکومت جهانی قرآن و توحید مهیّا تر می‌سازد.

نکته‌ی پنجم این‌که: میان هدیه‌کننده و هدیه‌گیرنده ارتباط عاطفه و مهر برقرار می‌گردد. این کار ما را به او و او را به ما متوجّه و منعطف می‌سازد و در این ارتباط ما را به رنگ و خوی او آشنا می‌کند و صدای استغاثه‌ی ما را به او می‌رساند و پاسخ پدران‌ه‌ی او را بر جان ما فرود می‌آورد. دلِ کوچکِ ما را به قلبِ بزرگ و بی‌ساحل او پیوند می‌زند و جویبار عبادات ما را به دریای موج‌بندگی او متصل می‌سازد و نهال خُرد و ساقه‌ی نازک وجود ما را در سایه‌سار آن شجره‌ی فراگیر الاهی به سایه می‌نشانند و ستاره‌ی وجود ما را از ماه و خورشید جهان تاب هستی او روشن می‌کند و...

خلاصه، او را در امامتش بر ما استوارتر و ما را در تشیّعمان نسبت به او محکم‌تر می‌سازد. این همه اثر از آن است که ما در آستان گردن‌گذاری به فرمان‌های آنان مخلصانه تسلیم شویم و بگوییم:

آستانی به در سر نهاده حلقه‌ای چشم بر در نهاده

بنده‌ای دل به داور نهاده چون قلم سر به خط بر نهاده

تا کند تیغش از تن جدایم

نکته‌ی آخر این‌که: طبق احادیث و روایات، حضرت مهدی علیه السلام زندگی طبیعی و معمولی و عادی دارند. آن حضرت هم مانند سایر مردم در معرض امراض طبیعی و آفات و گرفتاری‌های جسمی

و اندوه‌های روحی‌اند. بنابراین، صدقه و دعا و نمازها و هدایای معنوی- که به فرموده‌ی امامان دورکننده‌ی بلاهاست- آن حضرت را از بلا یا دور می‌دارد و در سلامت جسم و جان ایشان اثر خواهد کرد. درباره‌ی این که آن امام همام زندگی عادی دارد، مراجعه کنید به:

- بحار الأنوار ۵۲: ۱۵۶، ح ۱۶؛ ۵۱: ۲۲۴، ح ۱۰ و ۳۵۰،

ح ۳؛ ۵۲: ۱۵۲، ح ۳ و ۴.

- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام، فصل ۶، ص ۷۳.

- آفاق انتظار.

سؤال : معروف است که حضرت مهدی علیه السلام، هنگامی خروج می‌کنند که گستره‌ی زمین از ستم و جور آکنده شود تا تمامی اقطار آن را از داد و دادخواهی مملو سازد. اکنون آیا می‌توان نتیجه گرفت که برای ظهور و نزدیک‌تر شدن زمان آن، به جور و فساد کمک کنیم در نتیجه، اگر پُرشدن زمین از ستم و جور شرط خروج ایشان است، در آن صورت وظیفه‌ی منتظر چیست؟ فراهم ساختن آن شرط؟!

جواب : جمله‌ی «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا» در روایات گوناگونی آمده است. تنها در کتاب شریف بحار الأنوار، ۳۱ مورد این تعبیر، با اندکی اختلاف در عبارات، دیده می‌شود؛ امّا مضمون و سیاق عبارت هیچ‌یک از روایات، شرط بودن ستم را برای ظهور حکایت نمی‌کند؛ بلکه یکی از دو ظرف را بیان می‌دارد. ظرف اول، صلاح و تقوی و ظرف دوم، جور و فساد. ظرف چیزی است و شرط چیز دیگر. مثال زیر نزدیک‌کننده‌ی معنای حدیث است:

به دوست خود می‌گوییم: روز جمعه بعد از ظهر به دیدار تو خواهم آمد. آیا معنای جمله این است که دیدن، به روز جمعه بستگی

دارد و اگر روز جمعه نتوانستم، دیدار تو منتفی است یا معنای سخن این است که روز جمعه ظرف دیدار من از توست؛ نه شرط آن؟ بنابراین، امکان و احتمال می‌رود که روزی دیگر، دیدار انجام پذیرد و اگر می‌خواستیم شرطیت را بیان کنیم، چنین می‌گفتیم: «شرط آمدن من فرارسیدن روز جمعه است.»

نکته‌ی دوم این است: میان آن‌چه وظیفه‌ی ماست و آن‌چه به‌طور قهری و طبیعی پیش می‌آید تفاوت روشنی هست. وظیفه‌ی انسان‌ها از نظر اسلام و قرآن و روایات اهل بیت و عقل، پیش‌گیری از فساد، تربیت و تکامل در طریق بندگی، رعایت تقوی و طهارت و شناخت خداوند و نبوت و امامت و معاد و عمل بر مقتضای آن اعتقادات است. لذا در بیان وظایف مردم در زمان غیبت و تأکید بر این شناخت‌ها و عمل بدان‌ها، چه بسیار احادیث وارد شده است!

نتیجه این‌که پُرشدن زمین از ستم و فساد یکی از دو ظرف ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است و نه ظرف منحصر به فرد و نیز نه شرط آن و وظیفه‌ی ما ایجاد ظرف دیگر یعنی صلاح و تقوی است. به بیان دیگر، این روایات بیانگر وضعیّت و جریان عمومی جامعه در زمان ظهور است و روایات انتظار فرج، تعیین‌کننده‌ی وظایف فرد منتظر در دوران غیبت است که فرد منتظر باید صلاح و اصلاح پیشه کند و هرگز شایسته نیست این دو دسته مطلب به هم آمیخته شود.

در این مورد، مراجعه فرمایید به:

- خورشید مغرب: ۲۵۷ - ۳۳۴ (فصل سیزدهم).

- پیوند معنوی.

- ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ۱۶۵-۱۶۳.

- معرفت امام عصر علیه السلام.

- گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام، فصل یازدهم.

- نجم ثاقب، باب دهم.

سؤال : چه تفاوت‌هایی میان اصحاب امامان دیگر و اصحاب آن حضرت وجود دارد؟

جواب : اصحاب بدر، ویژگی خاصی داشتند. دارای ایمان و صبر فوق‌العاده و در رکاب پیغمبر ﷺ بودند. در آن روزگار غربت اسلام و فقر مردم، با شمار اندکشان از اسلام و پیامبر ﷺ دفاع کردند. به یقین رسیدند. حقایق را به رأی العین دیدند. لذا خوبان دیگر به آنان همانند شده‌اند. آنان ۳۱۳ نفر بودند. اسوه‌ی فداکاری دیگران شدند. اصحاب امام زمان علیه السلام به تعداد اصحاب بدر خواهند بود. والایی مقام آنان چنان است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنان سلام رسانده و آرزوی دیدار آنان را کرده است. روزی حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودند. تعدادی از صحابه نیز حضور داشتند. فرمودند: «یا لیتنی لقیْتُ إخوانی!» «ای کاش برادران خود را دیدار می‌کردم!» ابوبکر به پا خاست و گفت: مگر ما برادران شما نیستیم؟ مگر ما به شما مؤمن نشده‌ایم؟ مگر ما با شما مهاجرت نکرده‌ایم؟ حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «به من ایمان آورده‌اید؛ با من هم مهاجرت کرده‌اید؛ با این همه، (برادران من نیستید) ای کاش برادرانم را می‌دیدم!»

این بار عُمَر به پا خاست. همان سخن را تکرار کرد و همان جواب را شنید.

بار سوم، آن حضرت فرمود: «برادران من کسانی‌اند که مرا ندیده‌اند؛ امّا به من ایمان می‌آورند.» در پایان نیز، باز تکرار فرمودند: «یا لیتنی لقیْتُ إخوانی!»^۱

آنان ویژگی‌های بسیار دارند. از ایمان و اعتقاد محکم برخوردارند. در روزگار امتحان از حلال و حرام مراقبت شدید می‌کنند. به قرآن و دامن اهل بیت چنگ می‌زنند. آنان - که از روزگاران بسیار گرد آمده‌اند - اگر در چشم به‌راهی مولایشان از دنیا بروند، در هنگام ظهور او رجعت خواهند کرد. دل‌هاشان مانند پاره‌های آهن است.^۲ هر کدام نیروی چهل مرد جنگی دارند. قدرت و قوّت آنها تنها قدرت بازو نیست؛ قدرت و قوّت اراده است و روح و تصمیم. هر کدام از آنان خود را در وجود بقیّه می‌بینند.^۳

هیچ‌یک از امامان این تعداد یار باوفا و مطیع نداشتند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: «اگر چهل مرد جنگی داشتم، قیام می‌کردم.»^۴ اگر امام حسن مجتبی علیه السلام نیز به اندازه‌ی نیاز یاور داشتند، قیام می‌کردند و با معاویه صلح نمی‌کردند. امام حسین علیه السلام یاران باوفایی داشت که به بیش از ۷۲ نفر رسیدند و در جهان به تصمیم و

۱. بحار الأنوار ۵۲: ۱۳۲، ح ۳۶.

۲. منتخب الأثر: ۴۸۶، ح ۱، نقل از ینابیع المودّة.

۳. همان، ح ۳. ۴. شرح ابن ابی الحدید ۲: ۴۷.

ایمان و شهادت معروف شدند. دیگر هیچ کدام از امامان به تعداد ۳۱۳ یار باوفا نداشتند؛ تنها از امام سجّاد علیه السلام به بعد، امامان فرصت یافتند تا مسایل اعتقادی و فقه شیعه را نشر دهند و این امکان بیشتر برای حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام بود.

در روزگار امام موسی بن جعفر علیه السلام اوضاع سخت تر شد. آن حضرت را ۱۴ سال زندان کردند. سپس امام رضا علیه السلام را به خراسان در واقع تبعید کردند. امام هشتم علیه السلام برای نشر تفکرات شیعی فرصتی مختصر یافتند و مجالس مهمّ مناظره با اصحاب ادیان داشتند و در آن به دفاع از تفکرات اصیل اسلامی بر مبنای روش اهل البیت پرداختند.

از آن پس، فشار بر امامان افزون تر شد و تا آن جا که امام هادی و امام عسکری علیهما السلام را در پادگان و زیر نظر ارتش خلفا نگه داری می کردند و به همین خاطر، آنان لقب عسکری گرفتند؛ چرا که در محاصره‌ی نظامی بودند. بعد از آن، دیگر فرصتی برای شیعه و امامان علیهم السلام آن‌ها پیدا نشد تا هنگامه‌ی رستاخیز و ظهور و قیام مهدی موعود علیه السلام.

اگر چه در تمامی پدیده‌ها اراده‌ی خداوندی شرط است، بر پایه‌ی حکمت حق، زمینه‌ی آماده نیز مهمّ است. زمینه‌ی آماده‌ی حکومت حضرت صاحب الامر علیه السلام وجود یاران باصفا و باوفا و درست کار و متقی و دلاور و از خود گذشته است که جهان را برای حکومت عدل امام فراهم می کند و ما منتظر آنانیم. **اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ.**

در زمینه‌ی وظایف و عمل کرد امامان، مراجعه کنید به:

- زندگانی پیشوایان، ج ۱ - ۱۲.
- نقش ائمه در احیاء دین، ج ۱ - ۱۴.
- مقدمه‌ی مرآة العقول (عربی)، ج ۱ و ۲.
- أئمتنا (عربی)، ج ۱ و ۲.
- برگزیدگان، ج ۱ - ۱۴.
- چهارده اختر تابناک.
- زندگانی امامان علیهم‌السلام به زبان ساده.
- منتهی الآمال فی تواریخ النبّی و الآل.
- قادتنا، کیف نعرفهم؟ (عربی).
- مناقب آل ابی طالب (عربی)، ج ۱ - ۳.



سؤال : آیا به طور معمول و عادی با حضرت صاحب الامر علیه السلام می توان ارتباط داشت یا شرط دیدار، ترک زندگی دنیا و فعالیت ویژهی معنوی و روحانی و خلاصه نوعی رهبانیت است؟

جواب : باید دید منظور از ارتباط چیست؟ ارتباط معنوی و قلبی یا ارتباط فیزیکی و ظاهری؟ ارتباط ظاهری این است که با امام زمان علیه السلام - که در جامعه زندگی می کنند و ما را می بینند و ما ایشان را می بینیم و نمی شناسیم - رابطه و رفت و آمد داشته باشیم. این نوع ارتباط در دوران غیبت کبری امکان ندارد. در روایات آمده است: مردم او را می بینند؛ اما او را نمی شناسند.^۱ پس داشتن ارتباط ظاهری به خواست خود شخص ادعایی غیر قابل پذیرش است. ارتباط معنوی را خداوند متعال در ضمن آیه ای از قرآن بیان کرده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَ

رَابِطُوا﴾^۲

۲. آل عمران (۳): ۲۰۰.

۱. کافی ۱: ۳۳۷، ح ۶.

این آیه‌ی کریمه- که در روایات، به ارتباط با امام
زمان علیه السلام تأویل شده است- چنین معنی می‌دهد:

﴿ای مؤمنان صبر کنید و یکدیگر را به صبر امر
کنید و پیوند داشته باشید﴾

در تأویل بخش آخر آیه آمده است:

«وَرَابِطُوا مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُنْتَظَرِ.»

«و با امامتان- که دیده‌ها به راه اوست- پیوند ایجاد
کنید.»^۱

این‌که چگونه می‌توان با آن بزرگوار در زمان غیبت ارتباط
ظاهری یافت، از این روایت استفاده نمی‌شود. رابطه- یعنی ارتباط
دو طرفه و این نحوه‌ی ارتباط که به ما امر شده است- معنوی است و
رابطه‌ی ظاهری، جز به هدایت و رضایت خود امام علیه السلام، امکان ندارد.
نکته‌ی دوم این‌که: امام زمان علیه السلام طبق روایات در بازارها و
روی فرش‌های مردم می‌آیند و می‌روند و چه بسا از مغازه و دکان
آنان خرید می‌کنند و در اجتماعات آنان شرکت می‌کنند.^۲

این‌گونه تعبیرات نشان می‌دهد که امام زمان علیه السلام در زمان
غیبت- با این‌که از سطح بالایی از امکانات برخوردارند- زندگی
طبیعی و عادی دارند؛ مسافرت می‌روند؛ با مردم ارتباط پیدا می‌کنند؛
به مساجد می‌روند؛ به زیارت کربلا می‌روند؛ به عمره می‌روند؛ حج

۱. منتخب‌الأثر: ۵۱۵، ح ۸.

۲. بحار الأنوار ۵۱: ۱۴۲، ح ۱.

انجام می‌دهند...؛ البته با امکاناتی که در اختیار دارند. بنابراین، زندگی‌شان تقریباً نوعی خاص از زندگی طبیعی و معمولی است.

نکته‌ی سوم: ائمه و پیغمبر علیهم‌السلام دارای دو جنبه‌ی بشری و الهی بوده‌اند. آنان هم بشر بودند و هم با عالم وحی ارتباط داشتند. از جنبه‌ی بشری و ظاهری، انسان‌های فطری و طبیعی بودند. امام زمان علیه‌السلام هم چنین‌اند. ایشان در خواصّ انسانی مانند سایر افراد بشرند؛ اما در حدّ اعلاّی فضایل و کمالات انسانی.

هنگامی که ما به یک انسان معمولی سلام می‌کنیم، او به ما جواب می‌دهد. وقتی یک گام از سرِ مهر و عاطفه به سوی او برمی‌داریم، عکس‌العمل نشان می‌دهد. امام زمان علیه‌السلام - که به خصوص دل پُر مهر و مَحَبَّتِی دارند - وارث پیامبر رحمت‌اند؛ دارای مَحَبَّت و مهر علوی و شجاعت حسینی و پایداری حسنی‌اند؛ بسیار پُر عاطفه و مهربان‌اند و مصداق تامّ و کامل حدیث مشهور حضرت امام رضا علیه‌السلام که در معنای امام می‌فرمایند:

«الإمامُ الأنیسُ الرَّفیقُ، و الوالدُ الشَّفیقُ وَ الأمُّ

البرّةُ بِالوَلَدِ الصَّغیرِ...»^۱

یعنی، امام همانند برادری است هم‌دل و چونان پدری مهربان و به‌سان مادری که نسبت به فرزند خردسال خود دل‌سوز است.

آری، امام همانند برکه است. امام مانند باران رحمت است. امام به‌سان ماه تابان است که آرامش می‌آورد. امام چون خورشید

۱. کافی ۱: ۲۰۰.

است که حیات می‌بخشد. بنابراین، به یقین در برابر ما واکنش لازم را ابراز می‌دارند.

دریای زلال مَحَبَّتِ امام زمان علیه السلام به قدری مَوَّج است که اگر کسی کوچک‌ترین ارتباط به باریکی تار مویی با ایشان داشته باشد، ایشان را از نظر عاطفه تحریک می‌کند و به موج می‌آورد و الطاف و انوار وجودی آن حضرت به سان باران رحمت بر طرف مقابل باریدن می‌گیرد.

انبیا و اوصیا انسان‌هایی والا و برترند و در رأفت و مَحَبَّتِ بی‌نظیر. آنان در اندیشه‌ی هدایت خلق، تمام همّ خود را به کار می‌برند. بنابراین، ارتباط در زمان غیبت، معنوی و روحانی است؛ رابطه‌ی دل و قلب است.

این نحوه رابطه‌ی معنوی با دو وسیله ممکن است فراهم گردد: یکی، مراقبت در اعمال و رفتار و دیگری، آراستن درون یا ایجاد سنخیت باطنی؛ مثلاً اگر کسی بخواهد به دیدن شخصیت معنوی بزرگی برود یا با مرجع تقلید پارسا یا عالمی ربّانی ملاقات کند، باید دو کار انجام دهد: هم لباس ظاهری خود را مناسب با مقام آن شخصیت بسازد و ظاهر خود را بیاراید و هم از نظر فکری و درونی با او سنخیت پیدا کند و خود را با خُلق و خوی روحی او متناسب سازد و ارادت و کشش قلبی به او داشته باشد که بتواند بیش‌تر بهره‌ی علمی و روحی ببرد.

اگر چنین بود، حتماً با امام زمان علیه السلام هم ارتباط برقرار خواهد شد. از این رو، باید کوشش کنیم که نسبت به او چنین باشیم. برای

فرج او دعا کنیم. با زیارات وارده، حضرتش را زیارت کنیم. برای سلامتی حضرت او صدقه بدهیم. هدیه‌های معنوی به آستان او تقدیم کنیم. به نیابت آن حضرت، حج و عمره و زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام انجام دهیم؛ به فقرا رسیدگی کنیم؛ به ایتمام شیعه سرکشی کنیم. از این راه‌ها با ایشان ارتباط معنوی به دست می‌آید. آن بزرگوار هم قول داده‌اند که اگر کسی با ما ارتباط داشته باشد، او را رها نمی‌کنیم و از نظرمان دور نمی‌داریم. در کتب روایی آمده است که آن حضرت به شیخ مفید فرموده‌اند:

«ما از مراعات شیعیان دریغ نمی‌ورزیم و شما را فراموش نمی‌کنیم.»^۱

این جمله‌ی معروف، عطوفت آن حضرت را نشان می‌دهد و این که از شیعیان مراقبت می‌کنند. خلاصه این که نحوه‌ی ارتباط با امام عصر علیه السلام این است که مردم از نظر باطنی و ظاهری و رعایت حلال و حرام، مراقبت کنند و از نظر روحی و قلبی، کشش و محبت داشته باشند و به آن ولی حق محبت ورزند که ارتباط قلبی و روحی برقرار شود. حضرتش را فراموش نکنند و در تمام ابعاد زندگی، یاد کنند. آن حضرت هم فرموده‌اند: کسانی را که این چنین باشند نگه‌داری و حفاظت می‌کنیم و تنها نمی‌گذاریم.

در تجربه می‌بینیم که در دوره‌ی غیبت کبری، بسیاری از کسانی که مشتاق دیدار امام زمان علیه السلام بودند، به آستان او بار یافته و

۱. احتجاج ۲: ۴۹۷.

موفقیت‌هایی داشته‌اند. هم‌چنین کسانی که در صدد جلب رضامندی خاطر مبارک امام علیه السلام بوده‌اند و با آن حضرت ارتباط معنوی برقرار کرده‌اند. اگر چه با چشم سر او را ندیده باشند. زندگی‌شان را طوری تنظیم کردند که با توفیق خداوند، از ارتباط معنوی و دوطرفه با حضرت او برخوردار بودند.

در پایان این پاسخ، نکات لازم دیگری در ابزار ارتباط با آن حضرت یادآوری می‌کنیم؛ نکاتی که پای‌بندی به آن‌ها نقش سازنده‌ای در برقراری ارتباط معنوی با حضرتش در پی می‌تواند داشت. فرد مشتاق باید:

- ۱- روزانه آیاتی از قرآن بخواند و به آن حضرت هدیه کند.
- ۲- در قنوت همه‌ی نمازهای یومیّه- که اوّل وقت می‌خواند- برای فرج آن حضرت دعا کند؛ به‌خصوص دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...» را- که دعای شب بیست و سوم ماه رمضان است و جزء دعا‌های شب‌های احیاست- بخواند.

گفتنی است که شب بیست و سوم به احتمال قوی شب قدر است و اختصاص این دعا بدان شب، بلندی و عمق دعا را نشان می‌دهد.

- ۳- هر روز صبح، ولو مبلغ کمی، برای سلامتی آن حضرت صدقه بدهد.

۴- هفته‌ای یکی دو بار، آن حضرت را با زیارت معروف آل‌یس مخاطب قرار داده به ساحت مقدّسش عرض اعتقاد کند.

- ۵- روزهای جمعه زیارت مخصوص آن حضرت را بخواند.

۶- مردم را به بهترین عبادت زمان غیبت - که انتظار فرج و چشم‌به‌راهی اوست - دعوت کند.

۷- یاران و دوستان آن حضرت را به محبت تذکر دهد.

۸- امر به معروف و نهی از منکر را - به این انگیزه که می‌خواهد زمین و جامعه را برای ظهور آن حضرت آماده کند - با دقت کامل انجام دهد.

۹- در انجام واجبات و ترک محرّمات کوشش و تلاش کند.

امید فراوان می‌رود آن کس که بر انجام چنین کارها پای‌بندی استواری داشته باشد، در معرض توجّهات ویژه‌ی آن مولای کریم قرار گیرد و زمینه‌ی ارتباط محکم معنوی برایش فراهم آید.
در این باره، رجوع کنید به:

- ترجمه‌ی مکیال‌المکارم ۱: ۶۷ - ۶۳۱ (بخش‌های

چهارم و پنجم).

- ترجمه‌ی مکیال‌المکارم ۲: ۱۶۵ - ۶۱۳.

- منتخب‌الأثر (عربی): ۶۳۵ (فصل ۱۰، باب ۳).

- مهر محبوب، بخش انتظار.

- معرفت امام عصر علیه السلام، بخش دوم.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۵

کارهای انجام‌شده در این مجموعه ۱۰

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

امامت و مهدویت

۱۵ - ۱۸

سؤال ۱: آیا اعتقاد به امام عصر علیه السلام از اصول ایمان است و عدم اعتقاد به آن

موجب کفر؟ ۱۵

بشارات کتب آسمانی

۱۹ - ۲۳

سؤال ۲: آیا در قرآن کریم آیه یا آیاتی درباره‌ی امام زمان علیه السلام آمده

است؟ ۱۹

سؤال ۳: آیا ظهور منجی عدالت‌گستر را ادیان دیگر نیز بشارت

داده‌اند؟ ویژگی‌های منجی موعود در اسلام و تشیع چیست؟ ۲۲

اصالت مهدویت

۲۴ - ۲۷

سؤال ۴: آیا تعداد امامان به دوازده تن محدود می‌شود و حضرت

صاحب‌الزّمان علیه السلام دوازدهمین آنان است؟ ۲۴

شناخت حضرت مهدی علیه السلام

۲۸ - ۳۸

- سؤال ۵: درباره‌ی نام‌های امام‌های زمان شرح دهید. ۲۸
سؤال ۶: آیا امام عصر علیه السلام دعوت‌کننده به سوی خداوند است؟ ۳۱
سؤال ۷: شب ولادت حضرت مهدی علیه السلام چه موقع بوده است؟ ۳۴
سؤال ۸: اگر تمامی امامان علیهم السلام یک نور واحدند پس تفاوت مقام حضرت
مهدی علیه السلام با آنها چگونه توجیه می‌شود؟ ۳۷

غیبت

۳۹ - ۵۲

- سؤال ۹: آیا غیبت ویژه‌ی امام دوازدهم علیه السلام است یا در امامان و انبیای
گذشته علیهم السلام نیز سابقه داشته است؟ ۳۹
سؤال ۱۰: چرا از میان امامان فقط امام زمان علیه السلام غیبت دارند؟ حکمت و
علت آن چیست؟ ۴۲
سؤال ۱۱: چرا از بردن نام اصلی حضرت مهدی علیه السلام نهی شده است و با
القاب و کنیه‌ها از ایشان یاد می‌کنیم؟ ۴۵
سؤال ۱۲: نام و تعداد و ویژگی‌های نایبان امام عصر علیه السلام را توضیح
دهید. ۴۸

دیدارها و تشرفات در دوران غیبت

۵۳ - ۵۹

- سؤال ۱۳: با توجه به تکذیب دیدار از سوی امام زمان علیه السلام، آیا در دوران

غیبت کبری دیدار ایشان امکان پذیر است؟ ۵۳
سؤال ۱۴: آیا امام زمان علیه السلام در مکان های عمومی تشریف فرما می شوند یا
در محل های خاصی می توان آن حضرت را زیارت کرد؟ ۵۶

برخی از آثار وجودی امام زمان علیه السلام

۶۸ - ۶۰

سؤال ۱۵: آیا امام عصر علیه السلام همه ی شیعیان را (چه پرهیزگار و چه گنه کار)
یاد می کنند؟ ۶۰
سؤال ۱۶: جایگاه امام زمان علیه السلام در آفرینش جهان کجاست؟ ولایت تکوین
و تصرف و واسطه ی فیض بودن آن حضرت به چه معناست؟ ۶۴

طول عمر

۷۰ - ۶۹

سؤال ۱۷: با توجه به عمر طولانی امام عصر علیه السلام چهره ی ظاهری آن حضرت
هنگام ظهور چگونه است؟ ۶۹

شرایط ظهور

۸۲ - ۷۱

سؤال ۱۸: اگر ظهور حضرت مهدی علیه السلام همراه با پُرشدن زمین از ستمگری
است، آیا کوشش در نشر نیکی و تقوی فایده ای دارد؟ ۷۱
سؤال ۱۹: با وجود فراوانی افراد متقی و متدین در جهان، چرا امام عصر علیه السلام
ظهور نمی کنند؟ ۷۴

سؤال ۲۰: وقوع علایم ظهور در حتمیت آن چه قدر اثر دارد؟..... ۷۸

کارنامه‌ی ظهور و قیام

۸۳- ۹۹

سؤال ۲۱: آیا امام زمان علیه السلام آیینی جدید متفاوت با آیین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

می‌آورند؟..... ۸۳

سؤال ۲۲: منظور از عدلی که امام زمان علیه السلام در گستره‌ی زمین پراکنده

می‌سازد عدالت اجتماعی است یا فردی؟..... ۸۷

سؤال ۲۳: اظهار دین و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و قطع دنباله‌ی ستمگران وظیفه‌ی

تمام مسلمین است یا مختص امام عصر علیه السلام؟..... ۸۹

سؤال ۲۴: آیا آن حضرت با اهل کتاب به کتاب خودشان حکم

می‌کنند؟..... ۹۱

سؤال ۲۵: آیا امام زمان علیه السلام پس از ظهور، از تکنولوژی جدید استفاده

خواهند کرد؟..... ۹۳

سؤال ۲۶: اوضاع اقتصادی در حکومت امام عصر علیه السلام چگونه است؟... ۹۷

وظایف منتظران

۱۰۰ - ۱۱۸

سؤال ۲۷: انجام اعمال مستحبی به نیابت امام زمان علیه السلام و دادن صدقه برای

سلامتی ایشان چه اثری برای آن حضرت دارد؟..... ۱۰۰

سؤال ۲۸: اگر ظهور امام عصر علیه السلام به هنگام پُرشدن زمین از جور و فساد

است، وظیفه‌ی منتظر در این باره چیست؟..... ۱۰۵

- سؤال ۲۹: چه تفاوت‌هایی میان اصحاب امامان دیگر و اصحاب آن حضرت وجود دارد؟ ۱۰۸
- سؤال ۳۰: آیا به‌طور عادی می‌توان با امام عصر علیه السلام ارتباط داشت یا شرط دیدار رهبانیت است؟ ۱۱۲

YAAD-E- MAHBOOB

(Remembering the Beloved)

Questions and answers on the subject of the last Divine
Reformer, Imam Mahdi - Lord of Time - (PBUH)

1st Vol

Author

Sayyed Hosain Hosainie

Editor

Sayyed A. Razavie

Afagh Publishing Company

Tehran, 2000

All rights reserved